

هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار

روز هشتم - چهاردهم دی ماه ۱۳۹۶ - تهران

www.AmmarFilm.ir | نشریه روزانه



عاشقان ایستاده می‌میرند

اولین مستند از مدافعان حرم پاکستانی (زینیون)

روایت مظلوم‌ترین مدافعان حرم را در این مستند ببینید...

کارگردان: محسن اردستانی | تهیه‌کننده: ناصر نادری



واقعیت‌های آیت‌الله منتظری
گرامی داشت یک هویت فرهنگی
درد منهای درمان: نسخه ناقص



گفت‌وگو با دکتر ابراهیم فیاض

مردم محوری
گامی روبه جلو



درباره محسن اسلام زاده

با دوربین در مسیر
تمدن سازی

سلام مرا به زینبیون برسانید

گفت‌وگو با کارگردان مستند «عاشقان ایستاده می‌میرند»

«محسن اردستانی‌رستمی» از فیلم‌سازان جوان و متولد سال ۱۳۶۸ است. او که در سه دوره از جشنواره عمار موفق به کسب جایزه شده است، امسال با اثر «عاشقان ایستاده می‌میرند» راهی هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار شده است. این اثر بهانه‌ای شد تا دقایقی به گفت‌وگو با وی بپردازیم.

● درباره موضوع و ایده ساخت این مستند صحبت کنید.

از زمان تأسیس گروه «مستندسازان بدون مرز» همیشه در ذهنم بود که روزی درمورد مدافعان حرم «پاکستانی» اثری تولید کنم. یک سال ونیم پیش کار را شروع کردیم. در این مدت چندین بار به درب بسته خوردیم و چندین بار قرارهای مان در سوریه کنسل شد. مدت زیادی از شروع کار ما نگذشته بود که وب‌سایت رسمی مقام معظم رهبری جمله‌ای از ایشان خطاب به «زینبیون» منتشر کرد؛ با این مضمون: «سلام من را به زینبیون برسانید». این پیام نشان‌دهنده این بود که زینبیون این اعتبار را دارند و باید معرفی شوند. به همین دلیل ما با قوت بیشتری کار را ادامه دادیم و به انتها رساندیم. «عاشقان ایستاده می‌میرند» روایتی از مدافعان حرم پاکستانی یا همان تیپ زینبیون در سوریه است. این اثر را می‌توان اولین و تنها مستند از مدافعان حرم تیپ زینبیون نامید.

● از حضور مدافعان حرم پاکستانی در سوریه صحبت کنید.

اگر جنگ را شش سال در نظر بگیریم، حدود پنج سال است که مدافعان حرم پاکستانی در سوریه هستند. از همان ابتدا در منطقه حضور داشتند؛ اما

نسبت به فاطمیون کمی دیرتر شروع کردند. فاطمیون از یک تیپ ۲۲ نفره شروع شد و الآن به یک لشکر رسیده است؛ اما زینبیون هنوز تیپ هستند.

● چرا از مدافعان حرم اثرهای کمی ساخته می‌شود؟

مدافعان حرم به‌طور کلی خیلی مظلوم‌اند. در گروه مستندسازان بدون مرز، ما همیشه معیار را بر این گذاشتیم که درمورد مظلوم‌ها کار بسازیم. هیچ‌وقت نگاه نکردیم که این سوژه خوبی است و باید درموردش اثر تولید کنیم؛ بنابراین گفتیم این‌ها مظلوم هستند و باید درموردشان کاری را بسازیم. یقیناً پیش آمده که کار ضعیف درآمده باشد؛ اما هدف مان این بود که حرف مان را بزنیم. اعتقاد دارم که آدم باید حرفش را بزند و این‌ها حرف‌های مهمی هستند که حس می‌کنم بقیه شاید نزنند یا این قدر سخت است که به‌سمتش نمی‌روند. یک سیاستی درمورد مطرح نکردن مدافعان حرم وجود دارد که من هنوز این را متوجه نشدم. رسانه‌ها وقتی می‌خواهند از یک عملیات حرف بزنند، می‌گویند فلان منطقه توسط نیروهای فاطمیون یا مثلاً مدافعان حرم ایرانی؟ در ابتدای شروع جنگ، «بی.بی.سی» با پخش فیلم‌های «شهید باغبانی» از حضور ایرانی‌ها در سوریه صحبت کرد؛

اما ما هنوز از گفتن آن واهمه داریم.

● چرا در طول این چند سال، از زینبیون کمتر گفته شده است؟

به دلیل برخی مشکلات در کشور پاکستان، این‌ها مجرم محسوب می‌شوند. احتمالاً سیاست‌شان بوده که زینبیون مطرح نشوند و ما هم سعی کردیم بحث امنیتی و خطوط قرمز را رعایت کنیم. فرم کارطوری تنظیم شد که از بیرون به مدافعان حرم پاکستانی نگاه کرده‌ایم. حتی مستند «معلم» که درمورد فاطمیون است، ما حرفی از اینکه این‌ها از کجا اعزام می‌شوند و چه کسانی هستند، نزدیم. در انتخاب سوژه‌های مان هم دقت می‌کنیم که یک موقع مشکلی رخ ندهد. من بحث‌های امنیتی را قبول دارم؛ اما یک هنرمند می‌تواند با رعایت خطوط قرمز، حرفش را بزند. در بین این همه مستند، جز مستند سه‌گانه «آقای نادری» اثری ندیدم که این شبهات را مطرح کند و به شبهات جنگ عراق بپردازد. مگر یکی از مهم‌ترین شبهات جنگ عراق، جنگ «شیعه و سنی» نیست؟ این‌ها نیاز است که پاسخ داده شود؛ اما متأسفانه این‌ها را بدون پاسخ گذاشته‌ایم.

● «سید عارف الحسینی» کیست؟

«سید عارف الحسینی» از روحانیون شیعه پاکستان، رهبر نهضت «جعفریه» و از شاگردان مکتب «امام خمینی (ره)» بود که حدود سی سال پیش توسط افراد ناشناس به ضرب گلوله به شهادت رسید. امروز بچه‌های «شهید عارف الحسینی» همه جا هستند. از یکی از فرماندهان فاطمیون سؤال کردم که کدام گروه‌ها بهتر می‌جنگند؟ گفت: «زینبیون؛ رزمندگان زینبیون خط‌شکن هستند». خط‌شکنی هم واقعاً کار سختی است و ایمانی بسیار قوی می‌خواهد.

● پاکستانی‌ها از چه طریق، امام و انقلاب را می‌شناسند؟

ما مانند ماهی‌ای هستیم که در آبیم و خارج از آب را درک نمی‌کنیم. اگر به خارج از کشور برویم، می‌بینیم که لبنانی‌ها، پاکستانی‌ها و افغانستانی‌ها خیلی بیشتر از ما نعمت «ولایت فقیه» را درک می‌کنند. سربازان زیادی در مکتب «امام خمینی (ره)» تربیت شده‌اند که حتی یک‌بار هم امام را ندیده‌اند. پاکستانی‌ها هم از همین سربازان‌اند.

● به نظر شما دلیل اینکه از شیعیان هند، پاکستان و... کمتر سخن گفته می‌شود چیست؟

من به این معروف شده بودم که برای مدافعان حرم کار می‌کنم. سال ۹۴ که قصد سفر به هندوستان را داشتم، همه می‌گفتند مگر هند هم مدافع حرم دارد؟!



غلبه حاشیه بر متنی

نگاهی به مستند «عاشقان ایستاده می میرند»



حسام ابنوس

می‌شویم که به ادعای راوی نه ریش بلندی دارد و نه رفتارش مانند رفتار اعضای القاعده است. این دیالوگ‌ها و کات‌های پشت سرهم که بیشتر به آشفتگی ذهن مخاطب دامن می‌زند، سبب می‌شود همچنان بر این باور بمانیم که واقعاً این بار قرار است مستندی از دل تکفیری‌ها را شاهد باشیم ولی باز هم یک اتفاق دیگر سبب می‌شود که نخ تسبیح اطلاعات و مآوقع روایت از دست خارج شود و بیننده در میان کوچه پس‌کوچه‌های مستند سرگردان بماند.

به همین سبب تنها راه این است که اجازه دهیم سازندگان کار، خود را به انتها ببرند تا به ارتباط «عدیل»، «حلب»، «زینبیون»، «پاکستان»، «انقلاب اسلامی»، «غزه» و چندین موضوع فرعی که در مستند طرح می‌شود، پی ببریم. موضوعاتی که طرح کردن آنها در یک مستند ۲۸ دقیقه‌ای به نظر می‌رسد کمی از کج سلیقه‌ی رنج می‌برد و بهتر بود مستندساز، آنها را در یک ترتیب و توالی درک‌پذیر باز می‌کرد و اصلاً شاید بهتر بود هر کدام را در یک مستند مجزا طرح می‌کرد تا بتواند ارتباط بهتری با بیننده برقرار کند. جدا از این تکه پاره بودن سبب آسیب رسیدن به پیام نهایی می‌شود.

نباید از اهمیت این مستند در معرفی یکی از شهدای گمنام جبهه مقاومت یعنی «سید عدیل حسینی» غافل شد؛ اما کارگردان اثر آن قدر حواشی را برجسته می‌کند که گاهی خط اصلی در بستر روایت گم می‌شود. حتی به نظر می‌رسد او تصاویری داشته که بسیاری از آنها بکر بوده و می‌خواسته همه را در اثرش خرج کند. برای مثال تصویر بازجویی از اسیری که عضو یکی از گروهک‌های تکفیری است و اصلاً روشن نیست که نبودن این تکه از فیلم چه لطمه‌ای به مستند «عاشقان ایستاده می‌میرند» می‌زند. مواردی از این دست کم نیستند و برای جلوگیری از طولانی شدن کلام از اشاره به آنها خودداری می‌شود.

در مجموع مستند «عاشقان ایستاده می‌میرند» اثری ستودنی است که با دقت بیشتر در ارائه اطلاعات و چیدمان آنها در ساختمان اثر می‌توانست اثری ارزشمند را رقم بزند. این مستند را محسن اردستانی رستمی کارگردانی کرده و ناصر نادری نویسندگی و تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشته است.



هند مدافع حرم ندارد؛ اما شیعیان بسیار مظلومی دارد. در این جور مواقع باید یقه مستندسازان را بگیریم. ما این‌ها را برای مردم تبیین نکرده‌ایم. ما در درجه دوم هستیم؛ درجه اول آن سیستم‌هایی هستند که وظیفه‌شان انتقال این مسائل است. من نمی‌گویم که در مورد روز عاشورا و... کار نسازید؛ اما آیا هفتاد میلیون شیعه مظلوم هندوستان مهم نیستند؟! متأسفانه تا شهری مانند «فوعه و کفریا» در محاصره نیفتند، نمی‌فهمیم که یک سری شیعه هم در آنجا وجود دارند. تایک بلایی سر هندوستان نیاید، ما متوجه نمی‌شویم که هند هم مسلمان داشته است. اصلاً برنامه‌ریزی نداریم و همیشه می‌گذاریم یک ضربه‌ای بخوریم و بعد وارد عمل می‌شویم.

● بزرگ‌ترین حرف مستند «عاشقان ایستاده می‌میرند» چیست؟

به نظر من شهدای وحدت، شهدای مدافع حرم هستند. از یک منظر یعنی کسانی که به وحدت و به سخنان رهبرشان اعتقاد دارند و در سوریه می‌جنگند. از منظر دیگر شهدایی امثال «شهید رحیمی»، «شهید عارف الحسینی» و... شهدای وحدتی بودند که از حریم «اهل بیت (ع)» دفاع کردند. برعکس، شیعه انگلیسی مخالف وحدت است و آتش جنگ را زیاد می‌کند. این وجه تمایز بچه‌های مدافع حرم انقلابی با جریان‌های شیعه افراطی است. این یکی از بزرگ‌ترین حرف‌هاست که متأسفانه جایی گفته نشده است.

● نظر شما راجع به «جشنواره عمار» چیست؟

جشنواره عمار نسبت به سال‌های قبل بسیار قوی‌تر شده است. به نظر خیلی مهم است که عمار درباره شیعیان و معضلات شیعیان کشورهایی مانند پاکستان، هندوستان یا افغانستان کنفرانس‌های تخصصی برگزار کند یا از آن کشور یک متخصص بیاورد و در آن مورد صحبت کند. در واقع آینده ما هستند، آینده انقلاب اسلامی در سطح جهان اند. تهدیداتش، تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و فرصت‌هایش هم فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران است. البته لازم به ذکر است که ساخت چنین مستندهایی صرف حضور در آن مناطق نیست. خیلی از همکاران هستند که در تهران حضور دارند؛ اما بیشترین کار را برای فاطمیون ساخته‌اند. بنابراین ساخت مستند درباره یک موضوع خارج از کشور، صرف حضور نیست؛ عزم او برای ساخت چنین اثرهایی جزم است.

روز هفتم سینما فلسطین



افشار مختلف مردم در حاشیه اکران ها



قشار مختلف مردم در حاشیه اکران ها



حضور حسن رحیم پور ازغدی



غرفه کودک: «هم بازی»



بولتن های روزانه جشنواره



یوان رنگین کمان



در حاشیه اکران ها



ناصر نادری (کارگردان) در ایوان رنگین کمان



استقبال مخاطبان از سخنرانی حسن رحیم پور ازغدی



در حاشیه سینما



استقبال مخاطبان از سخنرانی حسن رحیم پور ازغدی



سخنرانی حسن رحیم پور ازغدی



گفت و گو با علی سلیمانی در برنامه تلویزیونی



حضور کودکان



در حاشیه سینما



غرفه «عماریار»



درد منهای درمان: نسخه ناقص

مستند «زمستان یورت» را باید نقطه عطفی در مسیر عدالت خواهی و مطالبات آرمان های انقلاب دانست، آن هم توسط نسلی که نه انقلاب و حوادث آن دوران را دیده و نه طعم ظلم و ستم دوران قبل از انقلاب را چشیده. و این ریشه در ماهیت ارزش های این انقلاب دارد، ماهیتی که از فطرت انسان سرچشمه گرفته و محدود در حصار زمان و مکان نیست. گزارشی از نشست نقد و بررسی این مستند با حضور میلاد میرزایی، کارگردان، امیر مهریزان، تهیه کننده و محمدرضا کردلو، منتقد سینما که در طبقه دوم سینما فلسطین برگزار شد را می خوانیم.

در صورتی که دوره حرف درمانی گذشته است، ما شاهد موفقیت عدالت خواهانه در این مستند نیستیم بلکه فقط تلاشی از آن را می بینیم. در این فیلم نهایتاً ظلم ستیزی به مردم القا می شود اما دعوت به مبارزه و عدالت خواهی وجود ندارد. ما در جمهوری اسلامی زمانی برای حرف زدن درباره به دست آوردن عدالت خواهی نداریم بلکه باید به سمت عمل کردن پیش رویم.

کردلو در خصوص استفاده نکردن از مصاحبه با اشخاص مطرح بیان کرد: افراد غیر مشهوری که در این مستند صحبت کردند جایگاه خوبی دارند و صحبت های مناسبی می کنند؛ شاید اگر از افرادی با چهره های مطرح استفاده می شد، برای این مستند مناسب نبود.

کارگردان «زمستان یورت» گفت: نباید چهره زده شویم و بگوییم چون فلانی، شخص مهمی است پس صحبت هایش درست است. ما در مستند سعی کردیم انقلاب اسلامی و برقراری عدالت را محور قرار دهیم.

مهریزان گفت: قطعاً استفاده از افراد با سابقه و مطرح در مصاحبه ها، می تواند فیلم را جذاب تر کند اما مصاحبه گرفتن با چنین اشخاصی بسیار سخت است. این در حالی است که استفاده از جوانان دهه ۶۰ به عنوان مصاحبه شونده نیز می تواند جذاب باشد زیرا این افراد، بدون اینکه امام را ببینند، مسیر امام را در پیش گرفته اند.

وی افزود: به طور کل باید دانست که این فیلمی در زمینه مبارزه طلبی و عدالت خواهی است. در «زمستان یورت» سعی شده تا درباره اسلام ناب صحبت شود تا مخاطبان خاکستری را جذب کند.

مهریزان در پایان نشست نقد و بررسی توضیح داد: ساخت مستند و نمایش آن در جشنواره، پایان راه فیلم نیست؛ مستندساز باید فیلمش را برای روشنگری و آگاهی سازی مردم همیشه همراهش داشته باشد و در هر فرصتی به نمایش درآورد.

برای حل مشکل ادامه دهد که در این فیلم از مورد سوم که بهترین نوع پایان بندی است استفاده شده.

وی افزود: این فیلم بیشتر به گزارش خبری شباهت دارد. فرم مصاحبه و تعدد آن باعث شده از تعریفی که سینما برای فیلم مستند دارد، فاصله گرفته شود. نماهایی مانند اخراج معدنچی و کار کردن در آرایشگاه باید بیشتر شود. همچنین می توانستید از آرشیو فیلم های موجود استفاده کنید.

کارگردان فیلم «زمستان یورت» درخصوص این نقد توضیح داد: مصاحبه محور بودن مستند را ضعف نمی دانم. مسئولین با ندادن فیلم های آرشیوی، ما را محدود کردند. هدف فیلم درگیر شدن با موضوعات داستانی و روایت زندگی کارگران نبود بلکه صرفاً روایت درد کارگران معدنچی بود.

مهریزان درباره قهرمان محور نبودن این مستند گفت: در این مستند قهرمان به معنای دراماتیک و سینمایی وجود ندارد. در ابتدای فیلم به فکر قهرمان سازی غیر واقعی بودیم تا فیلمی قهرمان محور ساخته شود اما کارگردان تأکید داشت که هیچ قسمت فیلم، غیر واقعی نباشد.

وی ادامه داد: ۱۰ روز بعد از حادثه معدن، فیلم برداری را شروع کردیم اما سیمان این بود که راوی سیاهی و ظلم نباشیم. یکی از مانیفست هایمان این بود تا زمانی که قهرمان ضد ظلم پیدا نکرده ایم، سمت ساخت فیلم نرویم.

کردلو اظهار داشت: در یک فیلم مبارزه جویانه باید نمادهای مبارزه جویی دیده شود. این فیلم برخلاف تلاشی که برای تعدیل حس ناراحتی و تلخی کرده، فیلمی تلخ است. فرزندان کارگران معدن، یتیم شدند و این حس است که در مخاطب می ماند. اینکه بگوییم این فیلم حس مبارزه جویانه را در مخاطب ایجاد می کند اشتباه است.

وی افزود: این مستند در قالب حرف درمانی جلو رفته

ابتدای جلسه، میرزایی درخصوص موضوع فیلم گفت: در این مستند حادثه معدن یورت را بهانه ای قرار دادیم تا به اتفاقاتی که برای معدنچی ها می افتد بپردازیم. آنها از سال ۸۵ بارها به نبود شرایط مناسب کار، رد نشدن بیمه و... اعتراض کردند تا بالاخره در معدن انفجار رخ داد. حتی بعد از انفجار هم بنیاد شهید، افراد کشته شده را شهید ندانست و حقوقی به خانواده شهید پرداخت نکرد.

در ادامه، مهریزان گفت: این مستند یک مستند نقد درون گفتگویی است. امسال درصد ساخت این نوع مستندها بالا رفته، اما با وجود نقد و ایراداتی که وجود دارد باید بدانیم که همه ما، سربازان جمهوری اسلامی هستیم و وقتی شخص مسلمان ایرانی، فیلمی می سازد باید با فیلمی که رسانه BBC می سازد، تفاوت داشته باشد. برای همین در این فیلم سعی کرده ایم که کنار ظلمی که در جمهوری اسلامی نشان می دهیم، انسان هایی را هم نشان دهیم که در برابر این ظلم می ایستند.

کردلو نیز با بیان اینکه مستندهایی مانند «زمستان یورت» در خلأ فعالیت مؤثر رسانه ملی شکل می گیرند، گفت: در این نوع مستندها هر چقدر هم توان فرمی و محتوایی فیلم بالا باشد به اندازه ای که در تلویزیون دیده می شود، دیده نخواهد شد. قطعاً بخش یک دقیقه از این فیلم در رسانه ملی مفیدتر از بخش آن در چهار دوره از جشنواره عمار است.

این منتقد سینما ادامه داد: شما می گوید این مستند، فیلمی با موضوع نقد درون گفتگویی است، درون کدام گفتمان؟ رسانه ملی که باید به مردم بپردازد، درون این گفتمان چقدر کار می کند؟

وی درخصوص محتوای «زمستان یورت» گفت: سوژه و پرداخت این مستند، قابل تحسین است اما در زمان دفاع کارگرا وقتی اسم مسئولی آورده می شود صدای بوق پخش می شد که این یعنی در این فیلم با محافظه کاری مواجهیم؛ در صورتی که باید اسم همه کسانی که مسئول چنین فاجعه ای بودند آورده می شد تا صدای کارگران و مطالباتشان شنیده شود.

میرزایی در پاسخ به این نقد گفت: در این فیلم، محافظه کارانه پیش نرفتیم بلکه روحانیت، امام جمعه، تشکل های دانشجویی، استانداری و... را نقد کردیم. بعضی تصاویری که در فیلم می بینید، به طور مخفیانه گرفته شده اند و حتی زمانی که می خواستیم مصاحبه با شخصی را ضبط کنیم، تهدید به مرگ شدیم اما شما تصاویر و مستندات آن را در فیلم می بینید. ما از کسی ترسی نداریم.

مهریزان اظهار داشت: طبق گفته یکی از بزرگان «فیلم عدالت خواه در گفتمان اسلامی باید راوی عدالت باشد، نه راوی ظلم» اما در بسیاری از فیلم های نقد درون گفتگویی، روایت ظلم دیده می شود؛ در «زمستان یورت» بن بست و سیاه نمایی وجود ندارد، حتی پایان فیلم هم سیاه نیست.

کردلو توضیح داد: این فیلم می توانست به سه صورت تمام شود؛ اول اینکه مسئله حل شود، دوم اینکه شرایط تلخ را همچنان نشان دهد و سوم اینکه تلاش و مبارزه را





لطفاً پیشنهاد «جشنواره مردمی تئاتر عمار» را جدی بگیریم!

شکست دایرهٔ انحصار

یادداشت اختصاصی محمدباقر مفیدی کیا برای بولتن روزانه جشنواره عمار

علی سلیمانی سرسری عزیز، دوست هنرمند و بازیگر کاربلدی که پیشتر افتخار همکاری شیرین با او در فیلم «لکه» را داشتم اخیراً یکی دو بار از تریبون جشنواره مردمی فیلم عمار، پیشنهاد «جشنواره مردمی تئاتر عمار» را مطرح کرد. پیشنهادی که نمی‌دانم تا چه حد مورد توجه اولیاء جشنواره قرار گرفت اما من می‌خواهم با تبیین ابعاد دیگری از این پیشنهاد خوب وظیفه خود در ترغیب عمارها به پیگیری مجدانه آن را ایفا کنم حتی اگر مطرح کردن آن از سوی علی سلیمانی سرسری عزیز صرفاً از روی علاقه قلبی یا تعصب هنری بوده باشد. پیشنهادی که اگر نیک بنگریم فارغ از انگیزه مطرح کننده آن، برای آینده نه تنها جشنواره فیلم عمار که سینمای انقلاب به شدت استراتژیک است.

● برای روشن شدن ابعاد بحث لازم است به چند نکته مهم توجه نمود:

اول: جشنواره مردمی فیلم عمار در این هشت دوره پیشرفت‌های محسوسی داشته و بخصوص در رشد کمی و کیفی آثار مستند، ناهنگ و حتی برنامه تلویزیونی کارنامه درخشانی دارد و در حال جریان ساز شدن است اما در باب فیلم داستانی فارغ از برخی استثناها هنوز جای کار بسیار دارد و ضعف‌های کمی و کیفی قابل توجهی در آثار شرکت کننده مشهود است. از فیلمنامه‌های نپخته و مضمون زده بگیرد تا اجراهای خامی که بیشتر درگیر تکنیک و ابزار هستند تا خلق و پرداخت فضا و اتمسفر مورد نیاز متن.

دوم: همه می‌دانیم مهمترین عنصر صورت‌بندی یک فیلم داستانی یا درام سینمایی، فارغ از برخی آثار معدود تجربه‌گرا، بازیگر است. عنصر بسیار مهمی که از ابتدای شکل‌گیری سینمای پسا انقلاب رفته رفته به پاشنه آشیل تولید آثار انقلابی مبدل شده است. واضح و شفاف عرض کنم امروز فیلمسازان جوان جبهه فرهنگی انقلاب برای به خدمت گرفتن بازیگران تراز اول و حتی دوم و سوم سینمای ایران در آثاری با مضامین انقلابی دچار مشکلات و موانع محسوس و نامحسوس هستند و برخی موضوعات فرهنگی و سیاسی و حتی دینی که باید در اولویت استراتژیک تولیدات سینمایی انقلاب قرار بگیرد به دلیل مافیای فرهنگی پیدا و پنهانی که تمام

شئون زندگی شخصی و حرفه‌ای این قشر را در سیطره خود گرفته، به راحتی در ابتدای روند تولید متوقف شده و سینماگران انقلابی برای ادامه حداقلی حیات حرفه‌ای خود ناچار به کوتاه آمدن از ایده آل‌ها می‌شوند. بررسی آسیب شناسانه این موضوع در این مقال نمی‌گنجد و مثنوی هفتاد من کاغذ است. همین قدر بگویم علل شکل‌گیری این مافیای البته بی‌تشکیلات در خارج از این مرزها نیست هرچند در ادامه مورد حمایت مادی و معنوی اغیار قرار گرفته باشد بلکه بیش از همه به غلبه سوء تدبیر مدیریت‌های بی‌برنامه، مقهور، متشتت، سیاست زده، کوتاه بین و البته خودباخته در تمام ادوار مدیریت فرهنگی و هنری انقلاب باز می‌گردد. مدیرانی که منفعلانه سعی کرده‌اند در دوره مدیریت خود بدون آینده‌نگری دلسوزانه، صرفاً برای حفظ وضع موجود همت بگذارند تا در کارنامه مدیریتشان «گاف پیشانی سفید»ی ثبت نشود و با ثبت خاطراتی خوش از دوران زعامت خود عرصه را به دیگری واگذار کنند. طراحی برنامه‌های خلاقانه کوتاه مدت و بلند مدت و اجرای فداکارانه آن‌ها برای ارتقای همه جانبه سینمای انقلاب پیشکش!

سوم: پُر واضح است که تئاتر برادر بزرگتر سینماست و ادبیات نمایشی خواهر ارشد فیلمنامه نویسی. پذیرفته است که بازیگر ورزیده صاحب فن بیان و بدن از خاک صحنه تئاتر رشد و نمو چشمگیری دارد تا از گلخانه سینما. مبرهن است فرایند نوشتن، تولید و اکران یک فیلم فارغ از استثنائات و در مقام قیاس نسبت به یک تئاتر سخت‌تر، پرهزینه‌تر و ریسک پذیرتر است. عیان است که برای همه استعدادها شناخته شده و شناخته نشده سینما و تئاتر انقلاب که در سراسر خاک وطن پراکنده‌اند شرایط عادلانه‌ای برای بهره‌مندی از سخت افزار مورد نیاز تولید فیلم - آنچنان که در پایتخت متمرکز است - فراهم نیست. چه این توزیع نامتوازن در بخش نرم افزار - آموزش و پشتیبانی - نیز به همین شکل است. به علاوه قریب به اتفاق کسانی که شوق هنرهای نمایشی از کودکی در وجودشان شعله می‌کشیده معمولاً تجربه‌ای هرچند اندک و گذرا در تئاتر مدرسه و مسجد و غیره را داشته‌اند و برایشان پدیده‌ای دور از ذهن و دست‌نیافتنی نیست. و گزاره آخر اینکه تئاتر خیابانی نیز یکی از کم هزینه‌ترین، خلاقانه‌ترین و زودبازده‌ترین‌های این عرصه است.

نتیجه‌گیری: از ترکیب مباحث و گزاره‌هایی که رفت نتیجه مقرون به صرفه‌ای حاصل می‌شود: با هزینه، مشقت و ریسک کمتری هم می‌توان سنگ محکی برای شناسایی استعدادها و پراکنده هنرهای نمایشی در سراسر کشور جُست و هم با تقویت هنرمندان جوان و جویای نام این عرصه بر تقویت بنیه کیفی و کمی سینمای داستانی انقلاب افزود. تأمل و تعمق و تجربه‌ای که در خلق یک متن نمایشی موجود است در کنار امکان ساده‌تر و کم هزینه‌تر برای ظهور و بروز آن بر صحنه تئاتر و سپس دریافت ملموس و زنده از واکنش جمعی محدود و مشخصی از مخاطب بهترین راه برای رشد، شکوفایی و کشف استعدادها و نویسندگی در حیطه ادبیات نمایشی و به تبع آن فیلمنامه نویسی است. همچنین بازیگران مستعد و البته معتقد در شهری دور که به مدد یک نمایش دغدغه مند ساده و بی‌پیرایه اما با مضمونی انقلابی و البته تأثیرگذار و مخاطب پسند در تماشاخانه «جشنواره مردمی تئاتر عمار» فرصت عرضه خویش را یافته و مورد توجه و تقدیر قرار گرفته و توسط فیلمسازان جوان گهرشناس و البته نیازمند انقلاب دعوت به همکاری می‌شوند به سادگی خواهند توانست انحصار ناعادلانه مافیایی که پیشتر ذکر شد را بشکنند و چهره‌های تازه‌ای به سینمای کشور معرفی کنند که شایستگی شهرت و محبوبیت در بین مردم را داشته باشند. چهره‌هایی که در مناسبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی با فرسنگ‌ها فاصله از قاطبه هم وطنانشان درجانه‌ای زنده و خدای نکرده دانسته و ندانسته عروسک خیمه شب بازی دشمنان این ملت نمی‌شوند.

هشت سال عمر کوتاه اما پربار جشنواره مردمی فیلم عمار در چشم برهم زدنی گذشت و حالا آن نهال نوپا باغی سرسبز و زایاست. اگر از همین سال جدید پیش رو نیز شروع کنیم هشت سال از عمر کوتاه اما یقیناً بسیار بسیار بابرکت جشنواره مردمی تئاتر عمار نیز به طرفه العینی خواهد گذشت و فصل برداشت محصول استراتژیک آن خواهد رسید. تا دیر نشده باید این خاک حاصل خیز را زیر کشت بُرد.

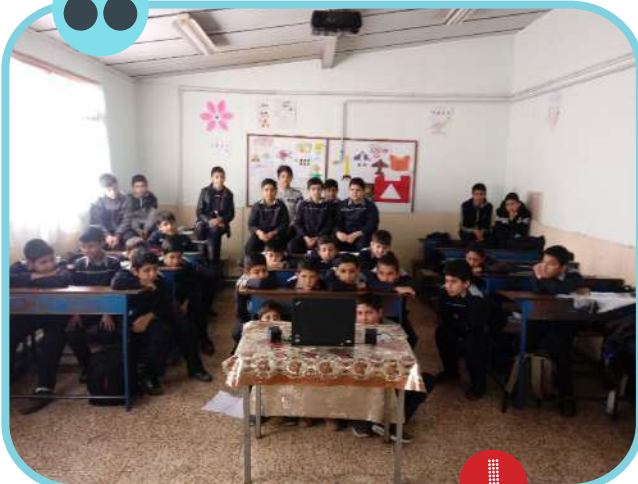
اخبار اکران‌های مردمی



استان: هرمزگان
شهر: بندرعباس
مکان: منزل شهید مدافع حرم عبدالحمید سالاری
تاریخ: ۹ دی
فیلم‌های اکران شده: من مدیر جلسه‌ام، نماهنگ فتنه شاید



استان: خراسان شمالی
شهر: شیروان
روستا: حسین‌آباد
مکان اکران: منزل مادر شهید مدافع حرم سرهنگ مهندس مرتضی زهرن
تاریخ اکران: ۱۰ دی
فیلم‌های اکران شده: داستانی ترس، مستند باصبر زندگی



استان: آذربایجان شرقی
شهرستان: مراغه
مکان اکران: مدرسه شهید صدف تاش ۲
تاریخ اکران: ۱۱ دی
فیلم‌های اکران شده: نبرد خلیج فارس ۱، مدادهای رنگی



استان: فارس
شهرستان: فسا
مکان اکران: مدرسه ابتدایی شاهد فردوس
تاریخ اکران: ۱۰ دی
فیلم‌های اکران شده: رویای گل‌ها و شکلات



استان: سمنان
شهر: شاهرود
مکان اکران: آموزشگاه ابتدایی شاهد (شهید آوینی)
تاریخ اکران: ۱۲ دی
فیلم‌های اکران شده: رفاقت‌هاست که می‌ماند، قهرمانان مدرسه



استان: کرمان
شهرستان: کهنوج
مکان اکران: بنیاد مهدویت
تاریخ اکران: ۹ دی
فیلم‌های اکران شده: معصومیت از دست رفته، انیمیشن اوبابو کری

مرگ بر انگلیسی در اکران مردمی

مصاحبه با روح‌الله قلاوندی، اکران‌کننده شهرستان اندیمشک

روح‌الله قلاوندی، اکران‌کننده ۳۵ ساله اهل شهرستان اندیمشک است. از ابتدای شکل‌گیری جشنواره از طریق مجله «راه» اخبار مرتبط با جشنواره را دنبال می‌کرد. آقای قلاوندی از جشنواره چهارم رسماً شروع به اکران کرد و تاکنون توانسته بالای هزار مخاطب را جذب اکران‌های خود کند. متن زیر بخشی از گفت‌وگو با اوست.

چطور با جشنواره عمار آشنا شدید؟

ما سال‌ها پیش صحنه فیلم‌های ۸۸ را در مجلات و فضای مجازی رصد می‌کردیم، قبل از آن هم «ماهنامه راه» را مطالعه می‌کردیم. زمانی که مستندهای عمار مثل «یزدان تفنگ ندارد»، «میراث آبرتا» یا «مهار نشده» که می‌آمد این‌ها را بین دوستان خودمان با لپ‌تاپ در مسجد امام حسین (ع) پخش می‌کردیم. دیگر جشنواره چهارم، با دوستان هماهنگ کردیم که هم ثبت‌نام کنیم و هم این‌که فیلم‌ها اکران کنیم.

تابه حال در چه جاهایی اکران داشته‌اید؟

ما در شهر خودمان یک سالن گرفتیم و اکران‌های مان را هم‌زمان با جشنواره در ۳ روز به‌عنوان افتتاحیه داشتیم. بعد در مساجد و پایگاه‌های مقاومت رابط پیدا کردیم و فیلم‌ها را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادیم و آن‌ها خودشان اکران می‌کردند.

در کجاها بیشتر اکران می‌کردید؟

بیشتر در مسجد امام حسین (ع) بوده است؛ چون آن‌جا مسجد خودمان بود.

خاطراتی هم در حاشیه اکران دارید؟

ما یک بار «نبرد خلیج فارس» را در «بوستان قرآن» پخش کردیم. این بچه‌ها یک شور و شوقی پیدا کردند. بلند می‌شدند و کف می‌زدند؛ وقتی هوانیروز حمله می‌کرد، سوت می‌زدند، شلوغ‌بازی در می‌آوردند؛ خیلی

برای شان جذابیت داشت.

در حاشیه اکران‌ها برنامه جانبی هم داشته‌اید؟

بله. نمایشگاه کتاب با موضوع عاشورایی و عکس مدافعان حرم.

در اکران‌های تان مهمان ویژه هم داشته‌اید؟

بله، مثلاً امام جمعه سریندر را دعوت کردیم که برای مان در رابطه با بصیرت و فتنه ۸۸ سخنرانی کردند. یا یک بار دیگر که فیلم «خالد و مجتبی» را که شب شهادت حضرت زینب (س) پخش کردیم، امام جمعه شهرمان هم دعوت بودند و روی فیلم توضیحاتی دادند.

آیا در روند تبلیغ فیلم‌ها مشکلی هم داشته‌اید؟

ما برای تبلیغ بودجه نداشتیم. وقتی شما بودجه نداشته باشید از لحاظ تبلیغ دستتان خالی است. یعنی اگر هم کار تبلیغی انجام دادیم از جیب بچه‌ها بوده است.

کدام فیلم را بیشتر اکران کرده‌اید؟

مستند «گروه سرود» را خیلی اکران کردیم؛ چون واقعاً مستند خوبی بود.

دوستان تان هم چقدر وقت می‌گذارند؟

یکی از دوستان آقای احسانی است. ماشین ایشان یکی دو سال در اختیار ما بود. یک پراید داشت که با آن

وسیله جابه‌جا می‌کردیم. یکی دیگر آقای رشتی بود که در دوره اول از چاپگرایشان استفاده کردیم و تراکت زدیم.

بهترین و بدترین خاطره‌تان از اکران چه بوده است؟

ما یک فیلم را برای اکران در سالن اداره‌ای آماده کرده بودیم. کلی تدارک دیده بودیم و به آن اداره هم گفته بودند که نیروهای شان را بسیج کنند. امکانات پخش آماده بود ولی متأسفانه مسئول مربوطه به نیروها اطلاع نداده بود و کسی استقبال نکرد و آن سانس تعطیل شد. بهترین اکران‌مان هم «یتیم‌خانه ایران» بود، به خاطر این‌که سالن پر بود و مخاطب راضی از سالن بیرون می‌رفت. جالب است که بعد از اکران یتیم‌خانه یکی بلند شد و شعار مرگ بر انگلیس داد؛ هم سالن هم جواب دادند.

برای گسترش اکران‌هایتان چه برنامه‌ای دارید؟

می‌خواهیم با گروه‌های فرهنگی، پایگاه‌ها و مساجد ارتباط بگیریم.

آخرین باری که سینما رفتید کی و چه فیلمی بود؟

آخرین بار شاید دو ماه پیش بود، فیلم «بیست و یک روز بعد» آقای خردمندان.

به نظر شما جشنواره عمار باید به کدام دسته از مخاطبین بیشتر توجه بکند؟

به نظرم مخاطب ما باید عموم مردم باشند.





مردم محوری: گامی روبه جلو

گفت‌وگو با دکتر ابراهیم فیاض

مهارت‌های زندگی نیست؟ الان مثلاً فیلم عمار آمده زندگی مصیبت‌بار دانشجویان یا استاد را بررسی کند؟ چرا دانشگاه‌های ما الان به بن‌بست رسیده‌اند؟ مثلاً بحث ISI که به شدت دانشگاه‌های ما را دارد از درون پوک می‌کند. توی عمار باید این را مطرح کنند؛ یعنی بنده نوعی باید دعوت بشوم سخنرانی بکنم که چشم‌اندازهای تازه عمار کجاست؟ باید کجاها برود؟ اگر ما بخواهیم مستندهای بین‌المللی در خارج از کشور بسازیم چی باید بسازیم؟ مثلاً اگر در سوریه بخواهیم بسازیم چی باید بسازیم؟ در عراق بخواهیم بسازیم چی باید بسازیم؟ در مورد ترکیه بخواهیم بسازیم چی؟ در رابطه با ارمنستان و... آن می‌شود آکادمی. فکر کنید هر یک ماه دو بار در این آکادمی سخنرانی بشود. چه می‌شود؟ یا برعکس مثلاً حضرت آقا گفتند که باید هجو استکبار جهانی بشود. خوب الان عمار کاری انجام داد در این قصه؟

● فکر می‌کنید کدام رویکردهای نظری یا فضاهای روش‌شناختی می‌تواند به این ایده کمک کند؟

ببینید، روش‌های استاندارد علمی از بین رفته است؛ یعنی مسائل فرهنگ از روش‌های کیفی بررسی می‌شوند. روش‌های کیفی هم براساس زندگی روزمره بنا می‌شوند. شما الان سه زیستار دارید در ایران؛ زیستار عشایری، زیستار روستایی و زیستار شهری. رابطه این سه تا کجاست در عمار؟ الان توجه کنید خود عشایر با یک دوربین یا یک موبایل شروع کنند فیلم بسازند. الان ما می‌توانیم اینترنتی به بچه‌های عشایر آموزش بدهیم تا از کوچ‌شان، از یک گوسفند، از یک بز، از یک بچه کوچک از زندگی زنان عشایر، از خیلی چیزها فیلم بگیرند و برای عمار بفرستند.

● می‌فرمایید مطالعه زندگی روزمره محل اشتراکی است که در واقع علوم انسانی را به هنر وصل می‌کند؟

که مثلاً سایتش قوی، چهارچوب تئوریکش قوی، حتی بتواند آکادمی بزند و قبل از اینکه جشن شروع بشود برای هر سال جلسات مفصلی داشته باشد که از کل جهان بیایند و این بحث‌ها را مطرح کنند. الان مشکلی که ما داریم این است که جشنواره شده فقط جایزه. آن کارهای تئوریک انجام نمی‌شود. رو به جلو هست ولی می‌دانم که بعداً توسط همان نخبان مصادره می‌شود. یعنی خودش استفاده نمی‌کند. مثل تأثیری که الان جشنواره عمار روی جشنواره فجر گذاشته. فجر هم سعی می‌کند که یک نمای عمار هم داشته باشد. مردمی بازی در بیاورد. متوجه‌اید؟ ولی هیچ کدام از این‌ها تبدیل به تئوری نمی‌شوند. مشکل جشنواره عمار الان این هست متأسفانه.

● آقای دکتر، یکی از کیدواژه‌هایی که ما در این چند سال اخیر درباره جشنواره عمار از شما شنیده‌ایم همین بحث «آکادمی عمار» بوده. اینجا فرصتی هست که قدری مفصل‌تر توضیح بدهید چه موضوعاتی با چه شرایطی مد نظر شماست؟ منظور دقیق‌تان از عنوان آکادمی برای یک جشنواره سینمایی چیست؟

متأسفانه مطلبی که قبلاً گفتم آقایان رفتند سراغ مدرسه آموزش. این اشتباه است. آکادمی، آموزش نیست. آکادمی تعیین‌کننده آخرین بحث‌هایی است که باید بیاید و در جشنواره مطرح شود.

● ممکن است نمونه‌هایی را نام ببرید؟ مثلاً آخرین نظریه‌هایی که در علوم انسانی می‌آید نظریه مردم‌محوری است، زندگی محوری است. سبک زندگی و مهارت‌های زندگی است.

● اینها را در نسبت با فیلم و سینما می‌فرمایید؟ بله، مثلاً شما مستند می‌سازید از یک خانمی توی روستا که با کمترین امکانات یک واحد تولیدی راه انداخته ۱۵ نفر به کار گرفته آیا این سبک زندگی و

● شما در جشنواره‌های معتبر سینمایی کشور تا به حال داور بوده‌اید. گفت‌وگویمان را از اینجا شروع کنیم که به عنوان استاد مردم‌شناسی دانشگاه برداشت‌تان از عنوان «جشنواره مردمی فیلم» چیست؟ فکر می‌کنید این عنوان چه تمایزی به نفع سینمای کشور تا به حال ایجاد کرده یا می‌تواند ایجاد بکند؟

ببینید الان بشر در اوج پیشرفت تکنولوژیکش به همین قصه مردم یعنی مردم‌محوری رسیده؛ یعنی الان شبکه‌های اجتماعی مردم را به شدت مسلط می‌کنند. خلاقیت‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی به شدت اوج می‌گیرد. حتی افراد، شبکه‌های فیلم خودشان را دارند. شبکه‌های سیاسی، فکری، ادبی خودشان را دارند. در نتیجه عمار یک جشنواره به شدت رو به جلو هست.

● به نظر‌تان در مقایسه با جشنواره‌های دیگری که جشنواره‌های رسمی جهان و کشور هم هستند ولی این رویه را ندارند، نقضی در آنها هست یا این طرف اتفاق ویژه‌ای دارد می‌افتد؟

اتفاقاً آنها نسبت به زمانه عقب‌مانده‌اند. فیلم‌های آنها بیشتر براساس سوژه‌محوری مطرح می‌شوند نه مردم‌محوری و الان هم می‌بینیم که در کنار همه جشنواره‌های اصلی یک بخش درست می‌کنند «بهترین فیلم با رأی مردم». چرا؟ چون این حاشیه دارد به متن تبدیل می‌شود. تا چند وقت دیگر به نظر من همه رأی‌ها می‌شود مال مردم. جشنواره عمار دارد توی این وادی حرکت می‌کند.

البته بحث مهم این هست که عمار باید تبدیل به یک آکادمی بشود تا کارهایی را که به صورت میدانی انجام می‌دهد تبدیل به چهارچوب تئوریک بکند. با جشنواره‌های مردمی در جهان ارتباط برقرار کند و خودش را به عنوان جشنواره بین‌المللی مطرح کند

ظرفیت‌های بومی موتور محرک کشور



محسن مقصودی

کشورهای اروپایی و آمریکایی است منتهی ما کاملاً از آنها بی‌بهره هستیم و استفاده نمی‌کنیم. برخی از استان‌های ما در حوزه گیاهان دارویی، دام‌پروری و حوزه صنعت توانمندی‌های بی‌نظیری دارند که چون اینها معمولاً در نگاه‌های کلان اقتصادی دیده نمی‌شوند، باعث نابودی یک رشته صنعتی می‌شود. از این‌رو ما سعی کردیم، مثلاً در حوزه کشاورزی که معضلی در استان‌ها است. ما چیزی حدود ده استان را تا الآن رفته‌ایم که ظرفیت‌های بومی‌شان را به تصویر بکشیم، تقریباً در همه استان‌ها، موضوع دلالتی در نظام توزیع محصولات کشاورزی بود که نشان می‌دهد این مشکل در همه کشور وجود دارد و باید یک فکر جدی شود که این زنجیره توزیع ما به تقویت تولید کمک کند. قیمت یک محصول کشاورزی از دست تولیدکننده که به مصرف‌کننده می‌رسد به ده برابر افزایش پیدا می‌کند و فقط یک‌دهم آن سهم کشاورز است. از طرف دیگر، چون ما مستندهای برون‌مرزی ساخته بودیم و نیاز بازار آن کشورها را دیده بودیم، یک‌سری مزیت‌ها در استان‌های ما بود که احساس کردیم این به همان نیازی که در خارج وجود دارد پیوند می‌خورد؛ یعنی محصولات کشاورزی، دامی و آبی در استان‌های ما می‌توانست با چند برابر قیمت در فلان کشور خارجی به فروش برود و از طرفی هم‌زمان سیب‌زمینی و پیاز در اینجا خراب می‌شود و با قیمت پنجاه و صد تومان، خوراک گاو و گوسفندها می‌شود در حالی که آن طرف باقیمت چند برابر، به این محصول نیاز دارند. یا مثلاً هلو که کشاورز ما نمی‌تواند به خاطر هزینه‌ای که دارد در بعضی از فصل‌ها آن را بچیند در حالی که می‌تواند تا قیمت بیست، سی هزار تومان در یک کشور خارجی به فروش برود. این‌ها را که ما کنار همدیگر می‌گذاریم، می‌بینیم از توانمندی‌مان در داخل استفاده نمی‌شود و هرز می‌رود. این برای خودم تجربه جالبی بود و فکرمی‌کنم، در نوع نگاه به استان‌ها می‌تواند خیلی متفاوت باشد.

درون‌زایی اقتصاد و تکیه بر توان داخلی نیاز به شفاف‌سازی دارد. ما باید بدانیم که ظرفیت‌های داخلی ما چه هست؟ یکی از آن ظرفیت‌های داخلی بی‌نظیر ما، استفاده از ظرفیت‌های بومی هر استان است. ما نمی‌توانیم یک نسخه اقتصادی برای همه استان‌ها تعریف کنیم؛ قطعاً این نگاه به اقتصاد غلط است. هر استانی با توجه به ظرفیت‌های مکانی، جغرافیایی، انسانی، تاریخی و اقلیمی‌ای که دارد؛ توانمندی‌های متفاوتی در اقتصاد مقاومتی دارد که به خاطر نگاه مسئولین در تعریف پروژه بزرگ، معمولاً توانمندی‌های خرد آن استان اصلاً دیده نمی‌شود. مسئولین اقتصادی ما فکرمی‌کنند، اگر چهار عدد را مثلاً در حوزه سود بانکی یا مالیات تنظیم کنند، اقتصاد راه می‌افتد یا اگر تورم کنترل شود، فلان می‌شود. معمولاً توانمندی و ظرفیت بومی اصلاً دیده نمی‌شود. فکرمی‌کنند اگر چهار صنعت بزرگ ما را به بیافند، همه چیز حل می‌شود؛ در حالی که بخش زیادی از موتور محرک کشور، همین ظرفیت‌های کوچک بومی هستند که هر کدام‌شان می‌توانند ابعاد بزرگی به خود بگیرند؛ از جمله در حوزه مستندهای استانی، استان‌هایی که در خط ساحلی جنوب ما هستند ظرفیت شیلات، تولید میگو، گردشگری، حوزه کشتی‌سازی و صنایع فراساحل وجود دارد، یک ظرفیت بی‌نظیری است که الآن شاید یک‌دهم این ظرفیت را استفاده نمی‌کنیم. استان سیستان و بلوچستان در منطقه مکران بکر است؛ یعنی اگر من عکسش را به شما نشان بدهم، فکرمی‌کنید که این صحنه‌ای که در ساحل

مشکل دیگری که داریم این است که کاری نداریم که هنری یعنی «فرم تحقق واقعی کل اشیاء». هنری یعنی فرم تحقق اشیاء در جهان. حتی به یک پشه هم شما نگاه نکنید نظم و دقت آن شکل ظاهری‌اش به شدت بالاست. همه چیز منظم است در پشه. کوچکترین چیزها را در یک مگس ببینید شوکه می‌شوید. یعنی فرم تحقق هنری است. زیبایی‌شناسی که منطق هنر است در تحقق همه چیز باید مشاهده شود. الآن این همه تنوع زندگی در ایران داریم. این همه در خارج کشور داریم. مثلاً برای زیبایی‌شناسی راهپیمایی اربعین چه کار شده؟ هیچی. همه‌اش گزارشی است. همه مستندها گزارشی است. من رفتم در یکی از موبک‌ها دیدم ۴ تا بچه کوچک با چه چهره زیبایی پذیرایی می‌کنند. من اصلاً می‌گفتم این‌ها کجایی هستند در عراق؟

● آقای دکتر، از قضا حجم تولید آثار مستند و نماهنگ در این موضوع زیاده بوده است.

مستند بوده و گزارشی. در مستند از زیبایی‌شناسی تخیلی خبری نیست. مستند کمی داستان می‌خواهد. عمار اگر تبدیل به آکادمی نشود همه زحماتش بر باد می‌رود. عین کاری که در معرض باد بگذاریم. عین آبی که توی شن بریزی و محو شود. من احتمال می‌دهم از این منظر در آینده عمار شکست بخورد؛ اگر تبدیل به آکادمی نشود، نتواند چهارچوب و روش شناسی خودش را در قالب آکادمی‌ها و دانشگاه‌ها و حتی متفکرین دانشگاه‌ها جهانی کند. این را باید انجام بدهیم.

● اگر صحبت پایانی دارید بفرمایید.

من می‌گویم عمار مردمی است؛ مردم یعنی آدم‌هایی که در جغرافیا زندگی می‌کنند با فرهنگ خاص خودش. باید اینها را ما به شدت مطرح کنیم. شما الان فکر کن در ایران چند نوع نان داریم که تولید می‌شود؟ چند نوع پنیر داریم؟ این‌ها تولید می‌شود. اینها می‌تواند برند جهانی بشود. ما می‌توانیم زندگی روزمره ایرانی را برند جهانی کنیم. آیا جشنواره عمار وارد این قضایا می‌شود؟ می‌تواند یک جریان سیاسی جهانی ایجاد کند؟ اینها مشکلات و موانع عمار است. دو مشکل الان عمار این‌هاست. اگر تبدیل به آکادمی نشود، تبدیل به گفتمان و سبک زندگی بومی نشود. خطر است.



دریای خزر

سمیه صفری ← محل اکران: مدرسه، پایگاه بسیج ریحانه‌النبی
مجید امیری ← محل اکران: مدارس
فاطمه مشهدی ← محل اکران: حسینیه ابوذر زمان طالقان،
مدرسه شهید غلامی، دارالقرآن امامزاده حسن(ع)
زهره هدایتی جناب ← محل اکران: مدارس، مؤسسه فرهنگی قرآنی
لیلا صدیقی ← محل اکران: مرکز قرآن و عترت
محمد حسین زاده ← محل اکران: مساجد، مدارس
رضا قاسمی ← محل اکران: مسجد
زهره لطفی ← محل اکران: پایگاه ریحانه‌النبی
محدثه طاهرخانی ← محل اکران: حلقه‌های صالحین پایگاه بسیج

محمدجواد جعفری ← محل اکران: مدارس، سینمای شهر
محمد مردی ← محل اکران: مصلای قدس
مریم حکمت‌نیا ← محل اکران: اردوهای جهادی، روستا

محدثه خداکرمی ← محل اکران: حوزه علمیه خواهران
محسن سالمی ← محل اکران: مدرسه
ابوالقاسم کارگر ← محل اکران: مسجد امام حسین(ع)
فریبا کرمی ← محل اکران: پایگاه بسیج، مسجد
فاطمه زهرا کاظمی ← محل اکران: مدرسه مکتب‌الزهر(ا.س)، حسینیه امام خمینی(ره)، مدرسه ابتدایی شهدای ۲
هانی فریدونی ← محل اکران: دبیرستان استعدادهای درخشان شهید بهشتی، مسجد امام حسن مجتبی(ع)
کبری حیدری ← محل اکران: کانون پرورش فکری، سالن مهرگان ارشاد روستاها
هادی صفری ← محل اکران: مدرسه شهید امامی، روستاها

سکینه خضری ← محل اکران: مسجد و حوزه علمیه فاطمه‌الزهر(ا.س)
مینا احمدحسینی ← محل اکران: مدارس
کبری جوکار ← محل اکران: منزل شخصی، حسینیه، مساجد، پایگاه بسیج، بهزیستی شهید یدالله تنگ ارمی، مدارس
امین فرامرزی ← محل اکران: مسجد میرعلمدار، مؤسسه قرآنی نورالتقلین

مرضیه نبوی زاده ← محل اکران: حوزه الزهر(ا.س)
رضا تکبیری ← محل اکران: گلزار شهدای لار
محمدامین قادری ← محل اکران: مسجد
زهره شاکرپور ← محل اکران: دبیرستان نمونه دولتی نرجس خاتون(س)
سعید بحری ← محل اکران: میدان غدیر، مکتب العباس، یادمان شهدای گمنام
طاهره حسین زاده ← محل اکران: مدرسه فرزندان
زهره دشتیان ← محل اکران: سالن نظام مهندسی، محل اسکان دانش آموزان راهیان نور، مؤسسه فرهنگی قرآنی بیت‌الاحزان حضرت زهر(ا.س)
مصطفی شاه‌علی ← محل اکران: قرارگاه خادمالله‌ها
معصومه بحرینی ← محل اکران: منزل شهید اسماعیل کریمی، حوزه علمیه خواهران فاطمه‌الزهر(ا.س) مسجد احمدبن موسی(ع)
صدیقه بلاغی ← محل اکران: مؤسسه زینبیه، مدرسه صدیقه طاهر(ا.س)، حسینیه حضرت ابوالفضل(ع)
مسعود صادقی ← محل اکران: مسجد سیدالشهدا(ع)
عارف ابراهیمی ← محل اکران: دبستان غیرانتفاعی بهار، دبستان زینبیه

حسین ابراهیمی ← محل اکران: مساجد و روستاها
سیده زهرا جعفری ← محل اکران: مدرسه امیرکبیر
یاسر خاکی ← محل اکران: هیئت
سمیه جنگی ← محل اکران: خوابگاه و دانشگاه محقق اردبیلی
محمد راست‌منش ← محل اکران: مجموعه فرهنگی قدس
نیکانم قهرمان‌پور ← محل اکران: مصلای نمازجمعه
موسی‌الرضا محسن‌نژاد ← محل اکران: مصلای نمازجمعه، مسجد
زهره قهرمانی ← محل اکران: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
هادی سروری‌زاد ← محل اکران: مدارس و روستا
مسعود رضایی ← محل اکران: مساجد
سمانه شلوندی ← محل اکران: مدارس
رضا مؤذن ← محل اکران: آمفی‌تئاتر دانشگاه آزاد، مسجد، پایگاه بسیج
اکبر زارع ← محل اکران: مسجد، هیئت، پایگاه، مؤسسه قرآنی
صنم یآوری ← محل اکران: مدارس
طاهره دمشقی ← محل اکران: خوابگاه مدارس، پایگاه بسیج
معصومه سلگی ← محل اکران: سالن شهید آوینی
اکرم حیدری ← محل اکران: مصلای نمازجمعه، مقر کتاب، دبیر خانواده شهدا، مدارس
فهیمة گرابی ← محل اکران: ستاد اکران، دبیر خانواده شهدا، دبیرستان فرزندان
لیلا الهی ← محل اکران: دبیرستان پروین اعتصامی، زینبیه
شیرین شجاعیان ← محل اکران: پایگاه حضرت زکیه
لیلا رستم‌پور ← محل اکران: دبیرستان ولایت
فاطمه اسدی ← محل اکران: دبیرستان نیک‌اندیشان
لیلا معماریان ← محل اکران: دبیرستان نیک‌اندیشان
فاطمه فکوری ← محل اکران: آموزشگاه شهیده مریم ابوالقاسی

الهام کشاورز ← محل اکران: خوابگاه دانشگاه، یاتوق کتاب
سیدسعادت فاطمی ← محل اکران: مدرسه دخترانه سما، منزل مسکونی مدرسه پسرانه سما
احسان مرادی ← محل اکران: منزل شخصی، منزل شهید کشاورز حسن‌پور، مجتمع آموزشی امام هادی(ع)، مسجد امام حسین(ع)
سیده‌افسانه محمدی ← محل اکران: خوابگاه دانشجویی خواهران، منزل شخصی، مؤسسه قرآنی جامعه‌القرآن
محبوبه کرمی دره‌نارنجی ← محل اکران: حسینیه تارالله(ع)
مهدیه الهی ← محل اکران: دبیرستان سما
کبری تراویده ← محل اکران: مدرسه دخترانه حضرت فاطمه(س)
مرضیه قربانی ← محل اکران: حسینیه ۱۴ معصوم، مدارس
سارا احمدی ← محل اکران: دبیرستان لاله، مسجد امام حسین(ع)
محمد لطفی ← محل اکران: سینما سیار، مسجد، مدرسه
کوثر سعیدفر ← محل اکران: دبیرستان نمونه دولتی فرهنگ
مهدی سخاوت ← محل اکران: مسجد شهید مسعود توتونچی
آرزو گراوندی ← محل اکران: حسینیه هزاروند، پایگاه بسیج
مریم کاظمی نسب ← محل اکران: منزل شخصی، مصلای نمازجمعه، مهدکودک قرآنی غنچه‌های بهشت، مدارس
هدی عتیقی ← محل اکران: مدرسه، مسجد، حوزه علمیه، پایگاه بسیج، سینما اندیشه





اخبار چهل سال بعد

هر که را سیمرغ خواهد...

هنرمندان باید مراقب باشند تا در اتفاقات سیاسی پیش رو رنگی نشوند، گفت: «برای شرایط اختصاصی اخذ سیمرغ، یک تیم خبره در حال بررسی هستند و فعلاً فقط برای شرایط اختصاصی سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد و زن به جمع بندی رسیده ایم که این شرایط عبارتند از: بازی در حداقل یک سکانس خیانت یا مورد قضاوت غلط قرار گرفتن حداقل دوبار در هر فیلم. در پایان این نشست یکی از خبرنگاران که به این شرایط اعتراض داشت با پاسخ دبیر مواجه شد که گفت: هر که را سیمرغ خواهد حرف نباشه همین که گفتم!

محمد رضا درخشان

دبیر فستیوال در نشست خبری روز گذشته از تغییر شرایط اهدای سیمرغ در هفتادمین دوره فستیوال خبر داد. آقای دبیر، دلیل این تغییرات را اعتراض گسترده و ادعای جمعی از اهالی سینما، مبنی بر اینکه «سیمرغ حق ما بود چرا دادین به اون یکی» دانست. وی در پاسخ به این سؤال که شرایط عمومی برای دریافت سیمرغ از چه قرار است؟ خاطر نشان کرد: سیگار که رو شاخشه و افزود:

«وجود حداقل یک طلاق در کارنامه حرفه ای داوطلبان، پوشش خبرساز در مراسم رد کاریت، تشکیل کمپین در فضای مجازی یا پست اینستاگرامی یا موارد مشابه که مصداق حمایت از حقوق حیوانات باشد؛ از دیگر شرایط عمومی اهدای سیمرغ است.» وی همچنین در ادامه با اشاره به این نکته که



قهرمان داستان آخرش توی داستان. توافق کم می شه که چی؟ بالاخره من میرم یا می مونم خودتون راحت نکن خسرو

فیلم‌های امروز: پنجشنبه ۱۴ دی ماه

کربلا مرکز عالم

اباعبدالله (ع) میزبانی می‌کنند. میزبانانی که با دست‌های خالی اما با قلبی پراز مهر حسین (ع)، پذیرای میهمانان و زائرین مولایشان هستند. چه افتخاری بالاتر از میزبانی امام؟ این میزبانی و جریان عظیم اربعین، باعث شده که توجه تمام دنیا معطوف به کسی شود که مرگ سرخ را بر زندگی با ذلت ترجیح داد. ۱۴۰۰ سال از دهم محرم سال ۶۱ هجری می‌گذرد و الآن کربلا برای دلدادگان عاشورا، مرکز عالم شده است.

نزدیک ۱۴۰۰ سال از واقعه عاشورا می‌گذرد؛ اما حب با امام حسین (ع) هرروز در عالم فراگیرتر می‌شود. دشمنان اهل بیت (ع)، مزارش را تخریب کردند ولی غافل از آن بودند که حسین (ع) نوریست که خاموش شدنی نیست. حالا شیعیان روزها و ماه‌ها را می‌شمارند تا محرم و صفر از راه برسد تا برای مولایشان عزاداری کنند و حسینی که حالا دیگر تنها نیست! «میزبان» به کارگردانی مسعود دهنوی، حکایت شیعیان و اهل سنت عراق است که در ایام محرم و صفر، از زائرین



جنگ حق علیه باطل



عراق با کویت، آغازگر ورود تکفیری‌ها به عراق بود و جنگ آمریکا با عراق به قدرت گرفتن گروهک‌های تکفیری مثل القاعده و داعش کمک کرد. داعشی که آن هم فرزند معنوی آمریکاست! در برابر این تکفیری‌ها، جریان مقاومت عراق با فتوای تاریخی آیت‌الله سیستانی شکل گرفت. جریان مقاومتی که با متحد کردن شیعه، سنی و مسیحی در برابر افراطی‌گری مبارزه کرد و در این راه نزدیک ۲۵ هزار شهید تقدیم کرد.

محمد بنکدار کارگردان «برای آزادی» در این مستند ۳۴ دقیقه‌ای ریشه‌های شکل‌گیری تکفیری‌ها در عراق و نقش حشدالشعبی در مقابله با آنها را بررسی کرده است و دید خوبی به مخاطب می‌دهد.

جهان از آغاز، صحنه نبرد حق علیه باطل بوده و خوب که بنگری هر گوشه عالم کربلاست و هر روزش عاشورا. در این «سیاره رنج»، سرنوشت مستضعفین، درد کشیدن نیست بلکه مبارزه برای آزادیست. صحنه‌های جنگ و خونریزی جبهه کفر، اخبار هرروز تلویزیون‌های ماست؛ خواه «حمص» سوریه باشد یا «الانبار» عراق و یا «صنعا» در یمن.

«برای آزادی» روایتی مستند از شکل‌گیری اندیشه در عراق از آغاز تا به امروز است. پدران معنوی تکفیری‌ها، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی هستند که هر کدام به نحوی در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی نقش داشته‌اند. جنگ

نامه‌ای از گذشته

است؛ یک نامه! یادگاری از سی سال قبل که وصیت‌نامه آنها بوده و حالا بعد از گذشت سال‌ها به دستشان رسیده است. رزمندگان سال‌های جنگ که می‌پنداشتند این نامه آخرین حرف‌هایشان است اما از میان آنها، فقط دو نفر به شهادت رسیدند. نامه‌هایی که گویی نهیبی به رزمندگان دیروز می‌زند تا بدانند امروز در کجا قرار دارند و با دیروزشان چقدر فاصله!

مستند «نشانی» جست و جویست برای رسیدن به افرادی که گذشته خود را گم کرده‌اند. یک امانت از گذشته‌ای به اندازه سی سال، معمای این مستند است. امانتی که معلوم نیست چیست و افرادی هم که جلوی دوربین به گفت‌وگو نشسته‌اند، از آن خبر ندارند. افرادی با تیپ‌ها و شغل‌های مختلف که همگی در یک نقطه، اشتراک دارند و آن همین امانت مربوط به سی سال قبل



یک خبر شیرین

سزارین، مرگ دو برابری آن نسبت به زایمان طبیعی است. در این مستند با متخصصین و پزشکان گفت‌وگو شده تا آنها مزایای زایمان به روش طبیعی را برای مخاطب، تبیین کنند. نام مستند هم اشاره‌ای دارد به دوران بارداری کامل که چهل هفته است و دویست و هشتاد روز؛ دورانی که به تکامل نوزاد کمک می‌کند.

مادر شدن اوج تکامل زن است و برای یک زن چه خبری می‌تواند شیرین‌تر از خبر مادر شدن باشد؟! یک خبر شیرین که از آغاز، ذهن مادران را به مسئله‌ای خاص معطوف می‌کند؛ زایمان به روش طبیعی بهتر است یا سزارین؟ مستند «دویست و هشتاد روز» به نویسندگی و کارگردانی عطیه سادات حسینی تلاش می‌کند تا از مضرات سزارین و فواید زایمان به روش طبیعی سخن بگوید. یکی از مضرات





واقعیت‌های آیت‌الله منتظری

گفت‌وگو با محمدعلی صدری‌نیا، کارگردان مستند «قائم‌مقام»

محمدعلی صدری‌نیا، کارگردان مستند «قائم‌مقام» است. او از سال ۸۹ وارد فضای رسانه‌ای شد و کار خود را از بخش موت و تمویر «خبرگزاری دانشجو» شروع کرد. صدری‌نیا از سال ۹۱ تولید مستند با موضوعات مختلف را شروع کرد و در سال ۹۲ مجموعه پرمخاطب و انتقادی «دکتر سلام» را کلید زد. او در دوره هفتم جشنواره عمار با دو مستند «قائم‌مقام» و «زخم تازه» شرکت کرده است. متن زیر بخشی از گفت‌وگو با اوست.

● موضوع مستند «قائم‌مقام» چیست؟

مستند «قائم‌مقام» روایتی بدون سانسور و منصفانه از زندگی آیت‌الله منتظری را به تصویر کشیده است. این مستند روایتی از مبارزات پیش از انقلاب تا فوت ایشان را شامل می‌شود. این مستند برای اولین بار به‌طور تفصیلی به فراز و فرود زندگی او در نظام سیاسی ایران پرداخته است. نقاط اوج این مستند درباره دوران قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری و سال‌های پس از عزل او تهیه شده.

● ایده ساخت این مستند از کجا به ذهنتان رسید؟

دغدغه تولید مستند با موضوع زندگی آیت‌الله منتظری را از قبل داشتم. درحقیقت از خردادماه سال ۹۴ تولید این کار را شروع کردم. با این نگاه که یک مستند جامعی در مورد این موضوع ساخته شود و قصدم این بود که در مورد یک‌سری از مقاطع تاریخ انقلاب کار کنم. وقتی یک کار جامعی ساخته نمی‌شود، باعث می‌شود که ابهامات زیادی ایجاد شود و مردم در مورد آن اطلاعات دقیق نداشته باشند و بعد از مدتی شبهات و شایعات هم به آن‌ها اضافه شود. به‌خصوص نسل جوان در مورد آیت‌الله منتظری و حواشی زندگی ایشان خیلی سؤال دارند. به‌خاطر همین احساس کردیم که تولید این کار را شروع کنیم. وقتی که سراغ تولید آن رفتیم، می‌دانستیم که دست روی یک موضوع چالشی گذاشته‌ایم؛ به‌خاطر همین هم تصور می‌کردیم که چندماهه و نهایتاً یک‌ساله کار تولید تمام شود، اما کار خیلی بیشتر از آن چیزی که ما فرض می‌کردیم ادامه پیدا کرد.

● چه شد که تصمیم گرفتید مستند «قائم‌مقام» را بسازید؟

ما موضوعات مختلفی در تاریخ انقلاب داریم که به آن پرداخته نشده و درحقیقت موضوعات مهم و چالش‌برانگیزی هم هست که ما روایت نکرده‌ایم و

دیگران به آن پرداخته‌اند و روایت ناصحیح هم برای آن ساخته‌اند. این موضوع باعث شد تا ما تصمیم بگیریم یک روایت صحیحی از این موضوع را برای مردم بسازیم.

● نحوه ارتباط‌گیری شما با این سوژه‌ها چگونه بود؟

باید این‌طور بگوییم که همه این‌ها حاصل تلاش گروه سازنده بوده است. مثلاً لیست تماس ما برای مصاحبه این مستند بیش از ۲۰ نفر بود؛ ولی شاید ۸ نفر حاضر به مصاحبه شدند. ۵ نفر از اعضای این لیست هم در این دو سال و نیم فوت کردند. با این‌که ما پیگیری می‌کردیم ولی خیلی‌ها حاضر به مصاحبه نمی‌شدند.

● مستندی که شما ساختید چه حرف نگفته‌ای نسبت به سایر مستندهای ساخته شده داشت؟

تا الآن که کار جامعی ساخته نشده است. یکی دو کار هست که آن‌هم در قالب مستند نیست. BBC در این سال‌ها یکی دو تا کار مصاحبه‌مانندی را از آیت‌الله منتظری پخش کرده که آن‌هم برش‌هایی از زندگی ایشان را پخش کرد که آن‌هم برش‌هایی سراف‌یک‌سری موضوعات و مقاطعی که به نفعش بوده رفته و اصلاً روایت جامعی از زندگی ایشان نکرده است. از این طرف روایت‌های صداوسیما هم روایت‌های جامعی نبود. یعنی در ۵ دقیقه، سعی کرده بود یک نمای کلی بدهد و موضوع را با چند نفر جمع کند. لذا ما احساس کردیم مهم این است که اولاً این کار، یک کار جامعی باشد و بتواند به صفت‌تصاد موضوع و فراز و فرودهای موضوع آیت‌الله منتظری بپردازد. ثانیاً این‌که منصفانه و با بی‌طرفی و بدون قضاوت سراغ این موضوع برود.

● باوجود مشکلات زیاد، انگیزه شما برای ادامه کار چه بود؟

اهمیت موضوع برای ما باعث می‌شد که مسیر را ادامه دهیم و می‌دانستیم که کار، کار بااهمیتی است. ما از روزی که کار را شروع کردیم، می‌دانستیم که دست روی یک موضوع چالشی گذاشته‌ایم و می‌دانستیم

که خیلی‌ها حاضر نخواهند شد مصاحبه کنند و مسیر سختی را در پیش داریم. پس از همان ابتدا نسبت به این‌که با سختی‌هایی مواجه باشیم تقریباً آمادگی داشتیم. ولی تلاشی که مجموعه فیلم «قائم‌مقام» انجام دادند این بود که دل‌سرد نشوند و ادامه دهند تا این‌کار به نقطه پایانی برسد.

● پرداختن به چنین سوژه‌هایی چه نقشی در روشن‌گری تاریخ دارد؟

به‌نظرم باید روایت صحیح را بگوییم. مزیت رقابتی مستندهای ما، صداقت‌مان است. خیلی‌ها معتقدند که مزیت رقابتی مستند «قائم‌مقام»، مصاحبه‌های خوب یا آرشیوهای خیلی خوب است؛ ولی مزیت رقابتی «قائم‌مقام» صداقت آن است. شاید یک ماه از رونمایی این کار نگذشته باشد ولی این کار خیلی صدا کرده است و خیلی مطالب مخالف می‌نویسند؛ اما خیلی جدی نمی‌نویسند.

● به‌نظران جشنواره عمار چه ظرفیتی را برای سینمای انقلاب به وجود آورده؟

مهم‌ترین کاری که جشنواره عمار انجام داده، پرکردن خلأ جدی و جمع کردن بچه‌های جبهه انقلاب دور هم دیگر است. شاید قبل از راه افتادن جشنواره عمار جایی نبود که بشود این آثار را این‌طور دور هم، دید و ارزیابی کرد. خیلی از کارها ساخته می‌شد ولی کسی نبود که به آن توجه کند، چه برسد به این‌که اکران شود. الآن فرصت خیلی مغتنمی برای خیلی از کارهایی که فرصت پخش آن در هیچ جایی نیست، است. حتی نقاط ضعف و قوت آن گفته می‌شود و باعث رشد آثار می‌شود. جشنواره عمار حتی اگر ضعف هم داشته باشد، واقعاً برکات خوبی دارد و این برکات باعث شده که در ۸ سال گذشته، رشد بچه‌های مختلف مستندساز را ببینیم.

انقلابی دیگر: انتقامی دوباره

گفت‌وگو با سید مرتضی رضوی، کارگردان مستند «انتقام از یک انقلاب»

سیدمرتضی رضوی، کارگردان ۲۴ ساله مستند «انتقام از یک انقلاب» است. رضوی، دانشجوی رشته سینما از دانشگاه تهران بوده و ۳ سال است که در حوزه مستندسازی فعالیت می‌کند. کاراول او در جشنواره ششم نماهنگ «ماه و تماشا» بود که مورد استقبال قرار گرفت و بعد از آن در تلویزیون پخش شد. در جشنواره هفتم هم نماهنگ «دلنگ بابا» را داشت و امسال هم یک مستند پرتیر در مورد «شهید فرخ سلحشور» را تولید کرده و به جشنواره فرستاده است.



● موضوع مستند «انتقام از یک انقلاب» چیست؟

اول این که انقلاب دوم منظوم بوده و حالا چرا انتقام از انقلاب دوم؟ داستان از این قرار است که تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام، می‌روند و سفارت آمریکا را تسخیر می‌کنند. بعد از این که جنگ ایران و عراق شروع می‌شود، در هویزه و در عملیات نصر یکی از گروهان‌ها به فرماندهی «حسین علم‌الهدی» تشکیل می‌شود. «حسین علم‌الهدی» یکی از افراد فعال در حوزه تسخیر لانه جاسوسی بود. در عملیات نصر ایشان، فرمانده بودند و تعدادی از دانشجویان به او می‌پیوندند و گردان خط شکن عملیات نصر را تشکیل می‌دهند. آن‌ها روز اول عملیات پیروزی می‌شوند و یک ضربه سختی به رژیم بعث می‌زنند. روز دوم صدام با همه توان نظامی‌اش وارد معرکه می‌شود و از نیروی هوایی و تانک‌هایش استفاده می‌کند و جنگ خیلی سختی را آغاز می‌کند. حضور تانک‌هایشان این قدر زیاد بوده که بعد از ۸ سال می‌گویند بزرگترین جنگ تانک‌ها در این ۸ سال بوده است. وارد جنگ می‌شوند و این دانشجویان پیرو خط امام محاصره می‌شوند و آن‌جا شهید می‌شوند که بعد با تانک از روی آن‌ها رد می‌شوند. بعد که این اتفاق می‌افتد روزنامه‌ها یک تیتری می‌زنند که آمریکا انتقام لانه جاسوسی را از دانشجویان پیرو خط امام گرفت. این کار انتقامی از انقلاب دوم می‌شود و اسم این مستند از این‌جا آمده است. کلیت مستند هم در مورد پرتیر «شهید فرخ زاد سلحشور» است که دانشجوی شیمی در دانشگاه رازی کرمانشاه بوده است. او سال ۵۴، آن‌جا یک سری کارهایی انجام می‌داده و یک ایده‌های خاصی برای جذب دانشجو داشته است. او یک بدنه قوی تشکیلاتی در کرمانشاه تشکیل می‌دهد و اولین جرقه‌های انقلاب را در کرمانشاه می‌زند.

● ایده ساخت مستند از کجا به ذهنتان رسید؟

«شهید فرخ سلحشور»، اصالتاً از شهدای فضای استان

فارس بوده و چون مزارشان در هویزه بوده و در گلزار شهدای خودشان نیستند، از یادها رفته‌اند. نکته‌ای که دارد این است که او تنها شهید دانشجوی استان فارس است که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی و هویزه حضور داشت. یک پژوهش اولیه‌ای از او انجام دادیم و بعد تصمیم گرفتیم ساخت مستند را شروع کنیم.

● آرشیوها و تصاویر قدیمی چطور بدستتان می‌رسید؟

تصاویر آرشیوی که قاعدتاً مثل همه مستندسازها که دست به دامان سازمان اسناد و صداوسیما می‌شوند، طی نامه‌نگاری‌هایی که در بازه‌های مختلف کردیم، از صداوسیما و جاهای مختلف گرفتیم. بعضی از صحبت‌ها را دوست داشتیم به صورت تصویری نشان دهیم ولی تصویر گذشته و تصویر آرشیوان را نداشتیم. مجبور شدیم به صورت خیلی جزئی و معمولی یک بازسازی انجام دهیم که کمی ارتباط تصویری با مخاطب برقرار کند.

● زندگی شهید «فرخ سلحشور» چگونه بود؟

زندگی «شهید سلحشور» سه بخش مهم دارد. یک بخش فعالیت‌های تشکیلاتی بود که در کرمانشاه انجام می‌داد و به تبع آن باید می‌رفتیم از دانشجویانی که هم سن و سال خودش بودند و آن زمان با هم ارتباط داشتند را پیدا می‌کردیم. یک پارت کارهای سفارت و تسخیر لانه جاسوسی بود که «حاج آقا موسوی» را پیدا کردیم، یک بخشی هم بحث شهادت و تفحص او بود که به «سردار شریفی» رسیدیم. او کسی بوده که «شهید فرخ سلحشور» و «شهید علم‌الهدی» را با هم تفحص و پیدا می‌کند. یکی از نکته‌هایی که برایم جذاب بود، این بود که اگر بخواهم بگویم که این شهید در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد، خیلی پسر خوبی بود و از همان بچگی معلوم بود می‌خواهد شهید بشود، نه اصلاً این طوری نبوده، اتفاقاً فرخ خیلی

بازنگوش بود. بیشتر مد نظرم بود که یک نمونه‌ای از جنبش‌های دانشجویی، این که یک دانشجو وقتی یک آرمان و یک هدف مهم دارد و می‌خواهد به آن آرمان برسد، چه کارهایی انجام می‌دهد و چه فعالیت‌هایی می‌کند تا به آن هدف برسد. یک حالت تیپ‌سازی از پروسه زندگی یک شهیدی که از یک جایی شروع می‌کند، وارد دانشگاه می‌شود، در دانشگاه یک کارهایی می‌کند و در برهه‌ای خاص از مملکت، از کرمانشاه به تهران می‌آید که در بحث سفارت دخیل باشد تا این که جنگ می‌شود و همه چیز را رها می‌کند و به «هویزه» می‌رود. کلاً یک آدم زمان شناس بود و خیلی هوشمندانه انتخاب می‌کرد؛ یعنی خیلی راحت می‌توانست آن زمانی که در کرمانشاه درس می‌خواند، به جای این کار تشکیلاتی به درسش ادامه دهد و از دانشگاه اخراجش نکنند و خیلی راحت مثل بقیه دوستانش به تحصیلاتش ادامه دهد و یا مثلاً وقتی جنگ می‌شود مثل بقیه به شهر خودش برگردد. ولی سریع برمی‌گردد همه چیز را کنار می‌گذارد و به خط مقدم می‌رود و می‌جنگد.

● به نظر شما اکران مردمی جشنواره عمار چه فضایی را برای سینمای انقلاب ایجاد کرده است؟

یکی از ویژگی‌های بسیار خوب جشنواره عمار اکران مردمی آن است. الان بهترین و پرفروش‌ترین فیلم سینما و آن فیلمی که مثلاً بیست میلیارد می‌فروشد، مخاطبانش را که آمار می‌گیرند نهایتاً سه میلیون نفر است. عمار با این شبکه عظیمی که راه انداخته است یک مستند را در دورترین نقاط یک روستا پخش می‌کند و دورترین جاهایی که اصلاً شاید نیازهای اولیه زندگی را ندارند، بلند می‌شوند، می‌روند در مسجد یا حسینیه برای شان پخش می‌کنند و این نحوه ارتباط مردم با این قشر از رسانه، حالا اگر الان بحث رسانه‌های تصویری مطرح باشد، این به نظر من پتانسیل خیلی مهمی است که عمار دارد و روی آن کار می‌کند.





پرونده ویژه

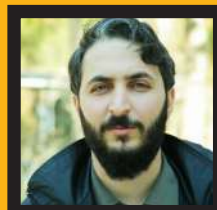
محسن اسلام زاده

مغتنام و تکرار نشدنی است. آقای اسلام زاده هر وقت نیاز بوده در جاهای مختلفی از جمله سوریه، عراق، افغانستان و... حضور داشته. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم، حالت پدرا نه و متانت ایشان است که ما را یاد افرادی همچون آقای نادر طالب زاده می اندازد.

آقای محسن اسلام زاده مجاهد، جانباز و مستند سازی هست که در طی سالیان زیاد، کار خودش را ادامه داده؛ یعنی به صورت مقطعی کار نساخته و بعد افول کند بلکه حضور ایشان در این عرصه متداوم بوده. حضور افرادی همچون آقای اسلام زاده در سینمای حزب الهی و انقلابی

مستند ساز
تکرار نشدنی

یادداشت
محسن اردستانی رستمی





با دوربین در مسیر تمدن سازی

خودگفته محسن اسلام زاده

● شریعتی و رحیم پور جریان زندگی ام را عوض کردند

دوران دبستان، آغاز فعالیت های هنری ام بود. در مدرسه، یک مربی تئاتر داشتیم به نام آقای برهانی. کلاس سوم بودم که عضو گروه تئاتر مدرسه شدم. کارمان بد نبود، طوری که در سطح استان مورد توجه قرار گرفتیم و برای اجرا، به اماکن مختلف دعوت می شدیم. وارد دوره راهنمایی که شدم، فعالیت های هنری ام عملاً تعطیل شد. بیشتر دنبال ورزش رفتم.

این دوری از فعالیت های هنری تا بعد از دوران سربازی ادامه داشت؛ از سربازی که برگشتم، در یک کارخانه مشغول کار شدم؛ اما دغدغه های اجتماعی ام، همیشه با من بود. کم کم با دکتر شریعتی و آثارش آشنا شدم؛ ذهنم مشغول مباحث دکتر شریعتی شده بود تا اینکه برخی سخنرانی های حسن رحیم پور به دستم رسید. به سختی چند نوار از ایشان تهیه کرده و شب و روز سخنرانی های دکتر شریعتی و استاد رحیم پور را گوش می دادم. ساعات بیکاری را در کارگاه خیاطی پدرم، به او کمک می کردم و همان جا نوارهای سخنرانی را بارها گوش می دادم. پدرم می گفت: پسر جان! نمی گم گوش نکن ولی هر سخنرانی را چند بار گوش می کنی؟! ما این ها را از حفظ شدیم!

یک روز پدرم گفت: رحیم پور از غدی شب بیست و یکم ماه رمضان در دانشگاه فردوسی سخنرانی دارد. همیشه شریعتی از شب شهادت امام علی (ع) به عنوان یک شب که سرمنشأ خیلی از حرکت ها بوده سخن می گفت. آن شب، بعد از سخنرانی، هرطور بود خودم را به استاد رساندم و یک شماره تلفن از ایشان گرفتم. روز بعد، با آن شماره تماس گرفتم. شخصی گوشی را برداشت. گفتم: ببخشید! با آقای رحیم پور از غدی کار داشتیم. با صدای سن و سال داری گفت: کدام یکی شون؟ حسابی جا خوردم. پیرمرد که بعدها متوجه شدم حاج حیدر است، گفت: با حسن آقا کار داری؟ خلاصه توانستم با استاد در راهپیمایی روز قدس، قرار بگذارم و او را ببینم.

کم کم با جلسات هفتگی حاج حیدر و دانشجویان و طلابی که در این جلسات شرکت می کردند، آشنا شدم. هم نشینی با این طیف بچه ها، آن هم زیر نظر حاج حیدر رحیم پور که در سن ۷۰ سالگی دغدغه های انقلابی داشت، خیلی برایم جذاب بود. بعد از مدتی، با چند نفر از بچه های جلسه، تصمیم به راه اندازی یک مؤسسه فرهنگی گرفتیم تا در آن، سخنرانی های اساتید و اندیشمندان انقلابی را گردآوری کنیم و خدماتی را به مساجد و مؤسسات فرهنگی و... دهیم.

● ورود به رسانه

آن مؤسسه، زمینه ساز حضور من در تهران شد و بعد از مدتی، با یادگیری تدوین و ساخت کلیپی آرشیوی با عنوان «از کدامین قبیله ای؟» که در آن از صدای دکتر شریعتی استفاده کرده بودم، اولین تجربه رسانه ای ام را کسب کردم. موضوع کلیپ، جهان اسلام و مسئله فلسطین بود که به همین دلیل، در جشنواره «زیتون سرخ» اکران شد. در دانشگاه های زیادی هم پخش شد.

همان روزها بود که با سید محسن اصغر زاده آشنا شدم. با همان کلیپ توانستم سفارش یک مستند در مورد شهدای مبارزه با موادمخدر در سیستان و بلوچستان را بگیرم. فیلم بدی نشد ولی به خاطر کم تجربه ای و اشکالات صدا و تصویر، سفارش دهنده مبلغی پرداخت نکرد؛ اما برای من، نمونه کار خوبی برای من شد، تا جایی که وقتی برای نمایش فیلم به دفتر حاج نادر طالب زاده رفتم، او گفت: تو مرا به یاد سید ابراهیم اصغر زاده و اولین فیلمش می اندازی. هر چند زیر فشار مالی سنگینی بودم اما این گفته حاج نادر آن قدر به من انرژی داد که دوسه سالی قسط هزینه های فیلم را خودم پرداخت کردم و طاقت آوردم. بعد از آن، به توصیه سید محسن اصغر زاده، فیلم سازی را رها کردم و به ضبط همایش ها و ساخت کلیپ و تیزرهای تبلیغاتی - فرهنگی روی آوردم تا هم بیشتر با ابزار آشنا شوم و هم به لحاظ مالی زمین نخورم. دو سالی به همین شکل پیش رفتم تا اینکه آشنایی من با سید سلیم غفوری، مرکز فرهنگی میثاق، رقم خورد.

● سید سلیم: بهترین حامی

سید سلیم وقتی فیلم من در سیستان و بلوچستان را دید، گفت: اگر خواستی در این مناطق فیلم بسازی، ما از تو حمایت می کنیم. قبول کردم که برای بار دوم، به سیستان و بلوچستان بروم. از سید محسن خواستم که او هم در این پروژه به من کمک کند. مجموعه مستند هشت قسمتی «مرزبانان» حاصل دو سال و نیم تلاش ما بود. فیلم روز دستگیری ریگی آماده شد و توسط شبکه های یک، الکوثر، العالم و پرس تی وی پخش شد. حسابی انرژی گرفتیم. بعد از آن، در سیستان و بلوچستان چند فیلم دیگر ساختیم. انگار فیلم سازی در آن خطه، پیش نیازی بود برای حضور در عرصه بین المللی و فیلم سازی از امت اسلام. حاصل همکاری مشترک من و سید محسن طی چند سال، ساخت چندین مستند در کشورهای پاکستان و افغانستان بود.

به مرحله ای رسیده بودم که اصغر زاده به من اجازه داد مستقلاً وارد عرصه فیلم سازی شوم. اولین تجربه مستقلم در انقلاب لیبی رقم خورد؛ در آنجا یازده مستند ساختم که با یکی از این مستندها، رهسپار جشنواره الجزیره شدم و فرم دیگری از مستند سازی را تجربه کردم. پس از آن، به افغانستان بازگشتم و مستند «سفر به دیار پشتون ها» را در قندهار و استان ننگرهار افغانستان به پنج زبان ساختم. دوباره به عنوان تصویربردار در کنار اصغر زاده به ونزوئلا رفتم. هدف از این سفر، ساخت مستندی از آخرین انتخابات ریاست جمهوری این کشور و پیروزی چاوز بود که خدا رو شکر فیلم موفق هم شد و به جشنواره فجر، جشنواره حقوق بشر بارسلونا و جشنواره ای در کوبا راه پیدا کرد. البته باز هم کار مشترک با سید محسن داشتیم؛ اینبار در سوریه. ساخت مستند «اهل سنت ایران»، کار بعدی ام بود. بعد از آن، مستند «به دنبال صلح» را در سوریه، ایران و لبنان کارگردانی کردم و هم زمان، برای ساخت مستندی درباره طالبان افغانستان، پیگیر یافتن راهی برای رفتن به میان طالبان بودم.

● چهل ماه طول کشید تا اعتماد طالبان را به دست آوردم

بعد از حدود چهل ماه پیگیری، بالاخره اعتماد طالبان جلب شد و توانستم به میان آن ها بروم. مستند «تنها میان طالبان» اولین مستندی است که تصویر جدیدی از طالبان افغانستان به نمایش گذاشت. تصویری عاری از خشونت و کشتار از جنبشی که بیست سال است در افغانستان به دنبال به دست گرفتن قدرت است. رزومه فیلم سازی من علی الخصوص فیلم های «اهل سنت ایران»، «اسرار زندان ابوسلیم» و «سفر به دیار پشتون ها» در جلب نظر طالبان خیلی مؤثر بود. در مستند «تنها میان طالبان» قصد داشتیم، جنگ را از نگاه آن ها ببینم و به ایشان فرصت حرف زدن بدهیم. می خواستیم ببینم طالبان چطور استدلال می کنند. در حال تدوین مستند «تنها میان طالبان»، دو بار به عراق رفتم که در سفر دوم، روز هشتم فروردین ۹۴ در ارتفاعات حمیرین و در عملیات آزادسازی شهر تکریت، از ناحیه کمر و گوش چپ مجروح شدم.

● فیلم سازی در کشورهای دیگر جنگ

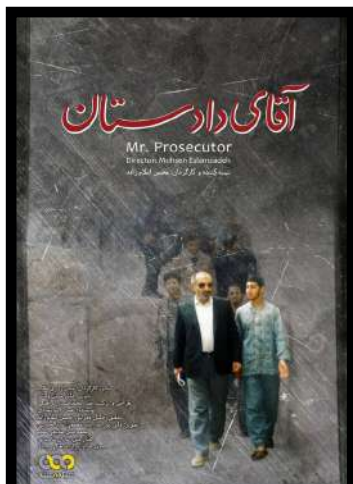
ما ادعای تلاش برای تمدن سازی داریم و نمی توانیم نسبت به اتفاقات پیرامونی بی تفاوت یا مصرف کننده رسانه ای دیگران باشیم. ما باید با قبول هزینه های این کار، نگاهی بی واسطه به این رویدادها از زاویه دید خودمان داشته باشیم. این خطی است که شهید آوینی و تفکر «روایت فتحی» به راه انداخت. بعد از سال ها می توانم بگویم با ورود حزب الهی ها به این عرصه، شاهد موج دومی از این جریان هستیم که در مقابل دیگر جریان ها، از نظر محتوا و ساختار، در داخل و خارج از کشور حرف های زیادی برای گفتن دارد.

● جوایز و افتخارات

- بهترین فیلم بخش مستند دوازدهمین جشنواره بین المللی فیلم ماریا
- بهترین فیلم بلند مستند جشنواره بین المللی فیلم آتن در سال ۲۰۱۷
- دعوت شده به جشنواره الجزیره در سال ۲۰۱۳ برای فیلم «اسرار زندان ابوسلیم»
- جایزه پنجمین دوره جشنواره عمار برای فیلم «اهل سنت ایران»
- جایزه بخش بین الملل چهارمین دوره جشنواره عمار بخاطر فیلم «سفر به دیار پشتون ها»
- برنده بخش ویژه جشنواره رویش به خاطر فیلم «مادران انقلاب»
- برنده جایزه بخش بین الملل سومین جشنواره عمار به خاطر فیلم «اندیشه حیات»
- جوان برتر مستند ساز شهر مشهد در سال ۱۳۸۹ به انتخاب فرهنگسرای انقلاب اسلامی مشهد
- تقدیر شده در جشنواره سکانس بیداری برای فیلم «دلباخته»
- تقدیر شده در اولین دوره جشنواره عمار برای فیلم «خیابان شهادت»

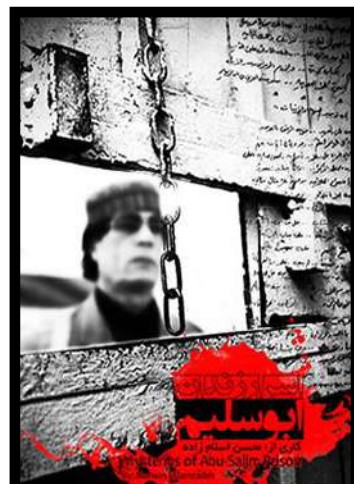


مستند «آقای دادستان» با تمرکز در مورد دهه ۶۰، زندگی شهید اسد الله لاجوردی را مورد بررسی قرار می‌دهد.



آقای دادستان

مستند «اسرار زندان ابوسلیم» سعی دارد تا بخشی از وقایع هولناکی را که در این زندان، توسط افرادی که چند دهه در آنجا محبوس بوده‌اند را روایت کند. «زندان ابوسلیم» نمادی از حبس یک ملت در زندانی به وسعت مرزهای لیبی بود. ملتی که ۴۲ سال در اسارت دیکتاتوری «سرهنگ قذافی» قرار داشت.



اسرار زندان ابوسلیم

«به دنبال صلح» روایت سفر کاروان صلح از ۱۰ کشور جهان به سوریه است که فعالانی از ایران نیز در این کاروان حضور داشته‌اند. راوی اصلی مادر «اگنس مریم صلیبی» رئیس صومعه «یعقوب مقطع» است؛ او اهل لبنان است و به شکل‌گیری کاروان صلح سوریه می‌پردازد. این کاروان برای اقدامی فرهنگی و نمادین علیه جنگ و خونریزی علیه مردم سوریه به راه می‌افتد.



به دنبال صلح

«اهل سنت ایران» مستندی است که سعی دارد، وضعیت واقعی پیروان مذاهب چهارگانه در کشورمان را به تصویر بکشد. راوی این فیلم «احمد مصطفی» تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اهل کشور مصر است که با هدف پژوهش دربارهٔ موقعیت اجتماعی مردم اهل سنت در ایران، به گفت‌وگو با علما، شخصیت‌های تأثیرگذار و مهم و مردم اهل سنت کشورمان پرداخته است.



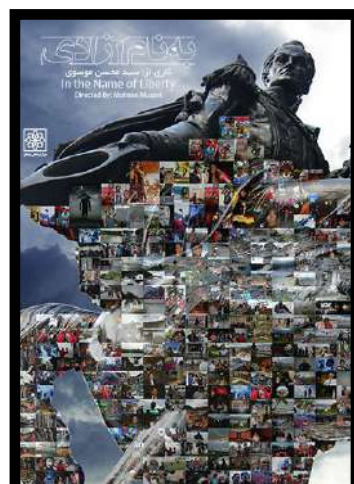
اهل سنت ایران

مستند «پیمان‌های پنهان» به بررسی تحولات سوریه می‌پردازد. این برنامه توافقات پشت پرده و پنهان استکبار غربی با مزدوران منطقه‌ای در آشفته کردن اوضاع سوریه و تغییر نقشهٔ خاورمیانه را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.



پیمان‌های پنهان

«به نام آزادی» مستندی است پیرامون مفهوم آزادی که فیلم‌ساز در قارهٔ آمریکا به جستجوی آن می‌پردازد. فیلم در ابتدا با روایت معروف و معمول اکتشاف آمریکا شروع شده و با ارجاع به فیلم‌های سینمایی، انیمیشن و رمان‌های تاریخی موج جریانات هنری و رسانه‌ای را نوعی سوءاستفاده از آزادی می‌داند. انتخابات ۷ اکتبر ۲۰۱۲ و نزول اوچ این تقابلات است که فیلم‌ساز با بیان تجربه‌های مردم به روایت دیگری از این مفهوم می‌پردازد.



به نام آزادی

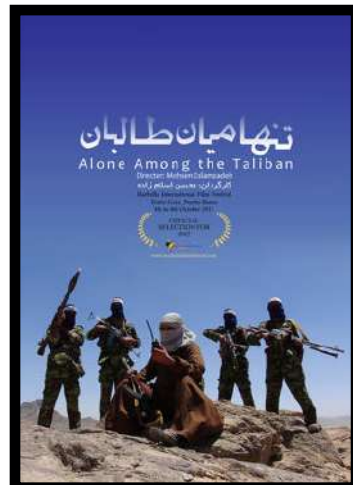


مستند «دژبان شرق» با موضوع موادمخدر به کارگردانی محسن اسلامزاده ساخته شده است.



دژبان شرق

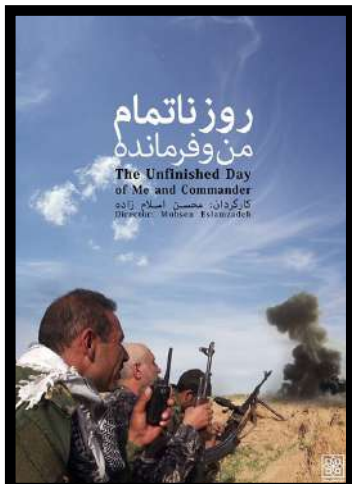
این مستند یک روایت بی‌واسطه در مورد نگرش طالبان به مسائل مختلفی از جمله سیاست، مذهب و قومیت است. اسلامزاده، ۱۵ روز در میان طالبان زندگی کرد. وی در این مستند با مقام‌های ولایتی طالبان در استان «هلمند» مصاحبه کرده‌است.



تنها میان طالبان

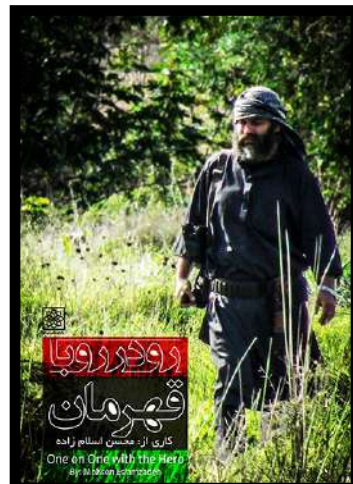
مستند «روز ناتمام من و فرمانده» روایت‌گر فعالیت گروهی از مستندسازان ایرانی است که در بهار سال ۹۴ با یکی از فرماندهان نظامی عراق در «حمرین» همراه شدند تا بخشی از عملیات آزادسازی شهر تکریت را ثبت کنند.

در حین انجام تولید، اسلامزاده به همراه فرمانده عراقی توسط نیروهای داعش مجروح می‌شوند و بدین شکل ساخت مستند نیمه‌تمام باقی می‌ماند.



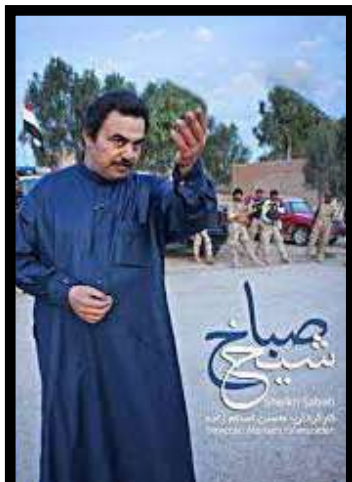
روز ناتمام من و فرمانده

مستند «رو در رو با قهرمان» روایتی ساده از فراز و نشیب‌های زندگی مردی روستانشین در حومه شهر «زاویه» است. او مشغول زندگی روزمره‌اش بود که اتفاقاتی او را وادار به پوشیدن لباس رزم و مبارزه علیه «سرهنگ قذافی» می‌کند. ویژگی‌های خاص «حسن مریمی» او را تبدیل به قهرمان انقلاب «۱۷ فوریه» لیبی می‌کند.



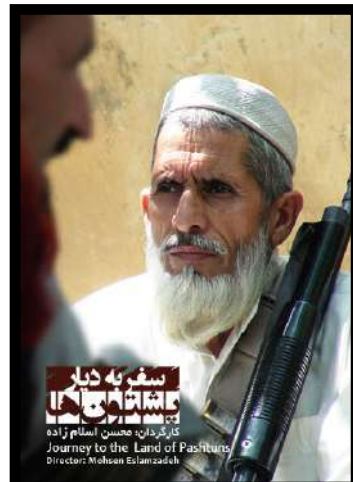
رو در رو با قهرمان

«شیخ صباح» رئیس عشیره شمر از قبایل مشهور و بزرگ اهل سنت عراق است که در استان صلاح‌الدین این کشور قرار دارد. «شیخ صباح» به مقاومت مسلمانان اهل سنت عراق علیه تروریست‌ها می‌پردازد.



شیخ صباح

افغانستان، کشوری که کم‌تر روزی به شب می‌رسد بی‌آنکه خبری از انتحار و انفجار در آن منتشر نشود؛ اما همیشه لنز دوربین رسانه‌های غربی، تمام این اتفاقات را حملات تروریستی با سرمنشاء بنیادگرایی اسلامی به ما معرفی کرده‌اند. قرار گرفتن اتفاقی در میان حادثه‌ای خونین که افغانستان را برای ماه‌ها در شوک قرار داد، انگیزه‌ای شد تا به دور از دام امپراتوری رسانه‌ای غرب، به دنبال ریشه‌یابی وقایعی از این دست در میان بزرگترین قوم این سرزمین یعنی «پشتون‌ها» باشیم.



سفر به دیار پشتون‌ها



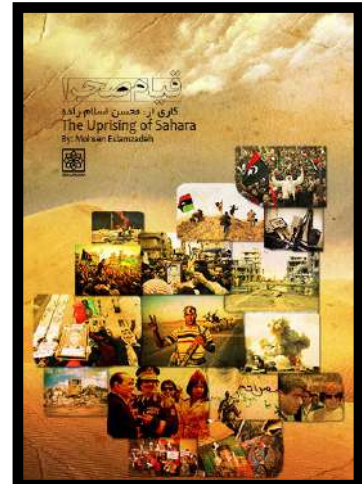
قربانیان شیمیایی

«قربانیان شیمیایی» با موضوع بازدید گروه ژاپنی از کردستان است.



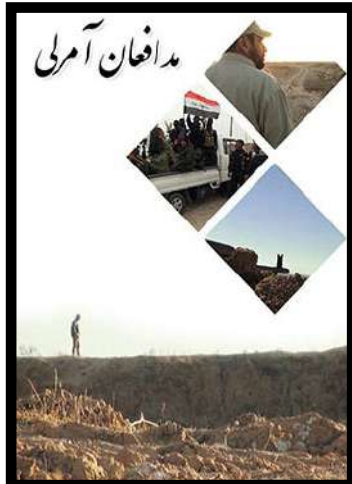
قصرقند

مستند «قصرقند» روایتی از عملیات ضدتروریستی و به هلاکت رسیدن «جلیل قنبرزهی»، تروریست مشهور شرق کشور است که جمهوری اسلامی ایران ۲۵ سال به دنبالش بود.



قیام صحرا

سال‌هاست که رسانه‌های دنیا فقط نام «سرهنگ معمر قذافی» و جنجال‌هایش را از لیبی شنیده‌اند. شاید برای این است که بحث‌های زیادی در مورد انقلاب این کشور در ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ وجود دارد. به نظر می‌رسد، اینک زمان آن فرا رسیده تا لیبی با نگاهی عمیق‌تر به مردم دنیا معرفی شود. مجموعه «قیام صحرا» که در ایام انقلاب لیبی در سال ۲۰۱۱ تصویربرداری شده تا این مطلب را جویا شود.



مدافعان آمرلی

این فیلم در مورد مقاومت مردم آمرلی در برابر داعش است. مردم آمرلی توانستند ۸۴ روز تحت محاصره داعش مقاومت کنند. جریان تولید این مستند اینگونه است که در یکی از حملات داعش به آمرلی، فیلمبردار داعش کشته می‌شود و دوربین فیلمبرداری او به دست مردم می‌افتد. تصاویر دوربین او توسط مردم استخراج می‌شود به دست اسلام‌زاده می‌رسد.



مرزبانان

«عبدالمالک ریگی» کسی است که از سال ۱۳۸۵ بیش از ۱۰هـ حمله تروریستی با بیش از ۱۵۰ کشته و صدها زخمی و مجروح در استان سیستان و بلوچستان ایران انجام داده است. او که همواره مورد حمایت سیاسی، مالی و رسانه‌ای کشورهای همچون آمریکا بوده در یک عملیات پیچیده اطلاعاتی و فرهنگی که قصد دیدار با مقامات بلندپایه آمریکایی «ریچارد هاربرگ» در پایگاه نظامی «ماناس قرقیزستان» را داشت، توسط نیروهای امنیتی ایران دستگیر شد.



خیابان شهادت

این مستند در گروه مستندسازی دیده‌بان در زمان ۱۶ دقیقه تهیه شده و به بیان قصه زندگی شهید «حسین غلام‌کبیری» جوان ۱۸ساله‌ای می‌پردازد که در جریان اغتشاشات فتنه سال ۸۸ به شهادت رسید.



مجموعه آثار محسن اسلام‌زاده

کارنامه



جشنواره عمار و عدالت رسانه‌ای

یادداشت حجت عدالت‌پناه کارگردان مستند «داد»



حجت عدالت‌پناه

در تعریف رسانه، سخن بسیار گفته شده اما در یک تعریف اجمالی و اجماعی، رسانه ابزاری برای انتقال پیام از فرستنده به گیرنده است. اما سؤال این است که آیا در انتقال پیام نیز همان جایگاه فرادست به فرودست حاکم است؟ یعنی همواره فرستنده پیام باید صاحبان قدرت و ثروت باشند؟!

این روزها اخبار جشنواره عمار به‌گوش می‌رسد، شاید برای خیلی‌ها این‌طور به‌نظر بیاید که این هم یک رویداد شعارزده حکومتی بیش نیست و ساده از کنارش بگذرند؛ اما برای من که فارغ از همهٔ علقه‌هایی که دارم دنبال کنندهٔ رویدادهای فرهنگی، هنری و اجتماعی کشور هستم، جشنواره عمار را با همهٔ بضاعت اندکی که دارد رویدادی جریان‌ساز می‌بینیم که تلاش کرده در جهت عدالت رسانه‌ای گام بردارد. در دنیای رسانه‌های سلبریتی‌زده که فوت‌گریهٔ فلان خانم بازیگر در صدر اخبار و تحلیل‌شون قرار می‌گیرد و یا جشنواره‌هایی که با هزینه‌های گزاف برای دیده شدن به دنبال جذب چهره‌های مطرح هستند، این عمار است که لنز دوربین خود را به سمت آن کارآفرینان گمنام کشور می‌گیرد و با در اعماق معادن کشور دنبال استیفای حق کارگران مظلوم می‌گردد. با همهٔ انتقاداتی که خیلی از دوستان این روزها از کم و کیف جشنواره عمار مطرح می‌کنند اما من دست‌میرزاد می‌گویم به دست‌اندرکارانش که در قبال خیلی از رسانه‌های ملی کشور با میلیاردها تومان بودجه، آنها مسئولیت تلاش برای عدالت در رسانه را بدوش می‌کشند.

اگر سال گذشته فیلم برگزیدهٔ جشنواره، مستند «داد» بود که در کنار مطرح ساختن معادلهٔ سه مجهولی جمهوری‌ت عدالت امنیت سراغ کارگران بیکار شده و شلاق‌خوردهٔ معدن طلای «آق‌دره» رفته بود امسال جشنواره دغدغه‌اش مسائل کارگریست.

فیلم افتتاحیهٔ عمار مستند «زمستان یورت» بود که به ماجرای کشته شدن معدن‌کاران مظلوم آزادشهر استان گلستان که دل همه‌مان را به درد آورد پرداخته است.

مسئله‌ای که در فیلم مطرح می‌شود این است که اگر رسانه‌ها قبل از وقوع آن حادثه در کنار خیلی از مسائل پوچ و دم‌دستی یک‌بار به‌طور جد به مشکلات آن معدن می‌پرداختند شاید الآن داغدار معدن‌کاران مان نبودیم.

زمستان یورت به بهار نرسید

گفت‌وگو با میلاد میرزاقاری کارگردان مستند «زمستان یورت»

«میلاد میرزاقاری»، کارگردان ۲۲ سالهٔ اهل شهرستان گنبد کاووس است. از ۱۰ سالگی کار هنر را با تئاتر شروع می‌کند و به فراخور علاقه‌اش به هنر و به پیشنهاد یکی از دوستانش در سن ۱۵ سالگی، اولین مستند کوتاه خود را می‌سازد. اولین کار حرفه‌ای او مستند «گنبد منهای فقر» است که در سال ۹۴ تولید شده. بعدازآن نیز مشغول به ساخت مستند «معدن زمستان یورت» شد که مستندی با موضوع اجتماعی است. متن زیر بخشی از گفت‌وگو با آقای میرزاقاری است.

موضوع مستند «زمستان یورت» چه بود؟

متأسفانه حادثه‌ای در اردیبهشت‌ماه سال ۹۶ رخ داد که در آن ۴۳ نفر از عزیزان ما کشته شدند. این فاجعه به‌خاطر سهل‌انگاری یک عده آدمی است که می‌توانستند برای کارگرها یک قدمی بردارند ولی برنداشتند. به‌نظرم اگر به این کارگران همان زمانی که اعتراض می‌کردند در سال‌های ۹۳ و ۹۴ توجه می‌کردند، ما شاهد این حادثه نبودیم.

مراحل ساخت مستند «زمستان یورت» چگونه بود؟

ما مستند «زمستان یورت» را از اواسط خردادماه سال ۹۶ تولیدش را شروع کردیم که این فرایند ۳ ماه این‌کار به‌طول انجامید. بیشترین مشکلات ما این بود که با یک‌سری مسئول بی‌تفاوت مواجه بودیم. پای‌کار آوردن آن‌ها واقعاً سخت بود و باید منتظر می‌ماندیم. جدا از مسئولین، ما می‌خواستیم با یک‌سری از کارگران مصاحبه بگیریم ولی آن‌ها مصاحبه نمی‌کردند. ترس‌شان از این بود که اگر مصاحبه کنند بیکار شوند یا تبعات داشته باشد. به همین دلیل خیلی از کارگرها هم می‌گفتند که ما اگر مصاحبه کنیم واقعیت را نمی‌گوییم.

مهم‌ترین حرفتان در این مستند چه بود؟

جدا از مسئولین، جدا از دولت‌های مختلف، ما هم در داخل این قضیه کم گذاشتیم. تک‌تک ما می‌توانستیم صدای رسای کارگرها باشیم. عدالت‌خواهی معطوف به یک شخص و به یک گروه نیست. همه می‌توانند این عدالت‌خواهی را داشته باشند. مردم می‌توانند بیایند و حرف بزنند، لزوم به این نیست که به داخل خیابان بزنند و تظاهرات کنند. الآن بهترین چیز به‌نظرم همین صفحات مجازی است. ما هم با این‌کار خواستیم به سهم خودمان یک نقشی در عدالت‌خواهی از مردم داشته باشیم.

با گذشت چند ماه از آن حادثه، از وضعیت کارگران

معدن یورت اطلاعی دارید؟

من با چند نفر صحبت کردم. ظاهراً کارگرها از وضع موجود در معدن ناراضی هستند. این‌طور که ما شنیدیم ظاهراً کارگرها در حال حاضر سه ماه از حقوق‌های‌شان را دریافت نکرده‌اند. هنوز نظر دادستانی مشخص نشده که مقصر اصلی چه کسی است. این باید مشخص بشود که مقصر مدیرعامل بوده و یا افراد دیگر.

در حین ساخت مستند با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

مستند «زمستان یورت» با سختی‌های زیادی ساخته شد؛ چون ما با جمعی از کارگرانی که داغ‌دیده بودند مواجه بودیم و تا به امروز رسانه‌ای نداشتند و بعد از حادثه هم حتی تهدید شده بودند. به همین دلیل شرایط سختی برای تصویربرداری وقایع کردن خانواده کارگرها داشتیم. خیلی از کارگرها می‌گفتند که اگر شما هم می‌خواهید فیلم بگیرید، تا ما را تمسخر کنید. شما که حرف‌های ما را به‌جایی نمی‌رسانید و همه ما را سانسور می‌کنید. به همین دلیل ما را نمی‌پذیرفتند. البته ما با رایزنی‌های مختلف توانستیم این ضبط‌ها را بگیریم.

نظرتان درباره اکران مردمی جشنواره عمار چیست؟

به‌نظرم با این‌کار سینما بین مردم آمد؛ البته نه سینمای مبتذل بلکه سینمای فاخر. با این کار یک‌سری فیلم‌هایی که برای مردم واقعاً دغدغه و امید ایجاد می‌کرد بین مردم پخش شد. مستند «گنبد منهای فقر» را ما با همین اکران‌های مردمی توانستیم به نتیجه برسانیم و با همین اکران‌های مردمی داخل فرمانداری بردیم. ما با پخش این فیلم توانستیم به نتیجه برسیم و یک دغدغه جمعی برای مردم شهر ایجاد کنیم. بعدازآن مستند کمپین‌های مختلفی ایجاد شد. پس ببینید به‌نظرم اکران مردمی یعنی بردن فیلم بین مردم که می‌تواند یک حرکت خیلی خوب باشد.





فستک پوچ

نویسنده و کارگردان: میلاد میرزاباقری

تهیه کننده: علی دهقان

تهیه شده در مدرسه سینمایی عمار

تحریریه: مجید مالکی، مجتبی مالکی، عارف جعفری، ابوالفضل رضایی، علی عربی محمدکریمی نسب،
حمید کوچکی، محمدرضا پورصفار، روزبه قمصری، محمدرضا طالبی آهویی، محمدرضا حسینی
مدیر هنری: حسین شهریاری مزعه امامی

